

جزوه معارف و اندیشه اسلامی

۱. دین در لغت: فرمانبرداری، خضوع و پیروی و اطاعت و تسلیم و جزا
۲. دین در اصطلاح: عقاید و مقررات نازل از طرف خدا به پیامبرا
۳. دین حق: دین بدون تحریف
۴. دین باطل: دینی که حتی بخشی از آن تحریف شده است
۵. دین نزد خدا: اسلام، تسلیم در برابر خدا
۶. دین دیگر جز اسلام: از هیچ کس قبول نیست
۷. تاریخ دین اسلام: همزمان با حضرت آد
۸. دین امری فطری هست: توحید، نبوت و معاد نیز فطری هست
۹. میل به جاودانگی فطری است
۱۰. معرفت و گرایش به خدا فطری است
۱۱. فطری بودن دین: مطابق بودن محتوای دین با ساختار وجودی انسا
۱۲. حقیقت واحد مذاهب: اسلام: تسلیم بودن در برابر خدا
۱۳. اختلاف مذاهب و شرایع: درجات کمال
۱۴. مراتب دین: ایه ۴۵ مائده: قرار دادن شریعت و راه روشن برای همه
۱۵. اولین شریعت برای هدایت: حضرت نوح علیه السلا
۱۶. یهودیت
۱۷. یهودیت: عنوان دین حضرت موسی علیه السلا
۱۸. قوم اسرائیل: یهودی: اسرائیل: نام حضرت یعقوب علیه السلا
۱۹. حضرت یعقوب علیه السلام: ۱۲ پسر داشت: بنی اسرائیل
۲۰. عنوان دیگر بنی اسرائیل: عبرانی، زبانشان عبری بود
۲۱. عبرانی: لقب حضرت ابراهیم، کنعانی ها به او داده بودند
۲۲. عبر: گذر کردن از نهر
۲۳. افراد خاندان اسرائیل در زمان حضرت یوسف: ۷۰ نفر
۲۴. ۱۲ قبیله بنی اسرائیل: اسباط
۲۵. آزار و اذیت بنی اسرائیل در زمان: رامسیس دو
۲۶. شرط ازدواج حضرت موسی علیه السلام با دختر شعیب علیه السلام: ۸ سال چوپانی در مدین (۱۰ سال چوپانی کرد)

۲۷. عذاب های فرعونیان: قحطی، کم شدن میوه، ملخ، خون شدن آب
۲۸. دریافت الواح (تورات): بعد از ۴۰ روز ماندن در طور سینا توسط حضرت موسی علیه السلام از طرف خداوند
۲۹. گوساله پرست شدن قوم حضرت موسی در ده روز اضافه ماندن ایشان
۳۰. وفات حضرت موسی علیه السلام: ۱۲۰ سالگی مکانی به نام مواب
۳۱. یوشع بن نون بیت المقدس را فتح کرد (بعد از حضرت موسی که هیچ اثری نداشت)
۳۲. یهودیت تبلیغ ندارد
۳۳. صهیون: نام تپه ای در اورشلیم: محل نظامی در زمان داوود و سلیمان
۳۴. صهیون: نام آور زمان قدرت یهودیت
۳۵. صهیونیسم: نهضت بازگشت یهودیان به فلسطین
۳۶. بنیانگذار صهیونیسم در عصر جدید: تئودور هرتزل
۳۷. قرن ۱۹: اخراج یهودیان از روسیه
۳۸. سال ۱۹۱۷: اعلامیه بالفور: تعهد انگلیس بر تاسیس حکومت یهودی در فلسطین
۳۹. سال ۱۹۴۷: سازمان ملل: رای به تقسیم سرزمین فلسطین
۴۰. سال ۱۹۴۸: اعلام موجودیت کشور مستقل اسرئیل
۴۱. تورات: کسی که حد همسایه را رعایت نکند، ملعون ست
۴۲. مسیحیت:
۴۳. مسیحیت: حضرت عیسی علیه السلام: دارای کتاب، شریعت و معجزه
۴۴. پدر و مادر حضرت مریم: عمران و حنه
۴۵. حرف های حضرت عیسی علیه السلام در گهواره: بنده ی خدا هستم، کتاب دارم پیامبرم قرار داده، با برکتتم ساخته، سفارش به نماز و زکاتم کرده، نیکوکار نسبت به مادر و زورگو نیستم و نافرمان هم نیستم
۴۶. کتاب حضرت عیسی: انجیل
۴۷. کتب مقدس
۴۸. کتاب مقدس: مجموعه از نوشته های کوچک و بزرگ
۴۹. عنوان معروف این مجموعه در زبان انگلیسی: بائبل، biblia: کتاب ها
۵۰. کتاب مقدس در فارسی: عهدین
۵۱. مسیحیان: دو عهد و پیمان که خدا گرفته است: عهد قدیم و عهد جدید
۵۲. عهد قدیم: گردن نهادن به شریعت الهی و انجام آ
۵۳. عهد قدیم: ابتدا با حضرت ابراهیم علیه السلام و با موسی علیه السلام تجدید و تحکیم
۵۴. عهد جدید: پیمان بر سر باز محبت خدا و عیسی علیه السلام

۵۵. نام گذاری عهد جدید و قدیم: مسیحیت
۵۶. عهد قدیم: میلئوس: ۸۰ میلادی: نخستین بار این اسم را گفت
۵۷. عهد جدید: ترتولیان: ۲۰۰ میلادی: واژه عهد جدید
۵۸. یهودیت: خدا با انسان یک عهد بسته است
۵۹. یهودیان بخش قدیم کتاب را قبول دارند.
۶۰. تنها بخش مورد اعتقاد یهودیان: عهد قدیم
۶۱. عهد قدیم: سه چهارم کتاب مقدس
۶۲. زبان عهد قدیم: عبری و یونانی
۶۳. زبان اصلی کتاب مقدس: عبری: ترجمه به یونانی توسط ۷۰ نفر:
۶۴. نام معروف نسخه یونانی کتاب مقدس: نسخه سبعینه
۶۵. تفاوت نسخه سبعینه و عبری دارای اضافات بودن نسخه سبعینه
۶۶. اضافات نسخه یونانی: اپوکریفا (مخفی و پوشیده)
۶۷. یهودیان نسخه عبری را قبول دارند
۶۸. اضافات نسخه یونانی: کتاب قانونی درجه دوم مسیحیت
۶۹. پروتستان مسیحی: نسخه عبری را قبول دارد
۷۰. سه بخش کتاب مقدس یهودیان: ۱. شریعت موسی ۲. انبیا ۳. مکتوبات
۷۱. شریعت موسی: بخش اول کتاب مقدس یهودیان: پنج دفتر: اسفار خمسه
۷۲. اسفار خمسه شریعت موسی: سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعدا، سفر تثنيه
۷۳. شریعت موسی: منسوب به حضرت موسی علیه السلام است که این سخن باطل ست (خودش نمی توانست مرگ خودش را بنویسد)
۷۴. بخش انبیای کتاب مقدس یهودیان: دربردارنده کتاب های یوشع، داوران، سموئیل، پادشاهان
۷۵. مکتوبات کتاب مقدس یهودیان: مزامیر، نحمیا، تواریخ، ایوب، غزل غزل ها، سلیمان، ..
۷۶. عهد جدید: به زبان یونانی است
۷۷. حضرت عیسی علیه السلام به زبان آرامی سخن می گفتند
۷۸. چهار بخش عهد جدید: زندگانی و سخنان حضرت عیسی، تبلیغ و مسافرت های مبلغان مسیحی، نامه ها و رویا و مکاشفه
۷۹. بخش اول عهد جدید: چهار انجیل: ۱. مرقس ۲. متی ۳. لوقا ۴. یوحنا
۸۰. متی: حواری عیسی
۸۱. مرقس: شاگرد خاص پطرس حواری
۸۲. لوقا: شاگرد پولس حواری

۸۳. یوحنا: بعد از حضرت عیسی، در زمان ایشان طفل بوده اند
۸۴. انجیل های هم نوا(هم دید): مرقس، متی، لوقا
۸۵. انجیل های هم نوا(هم دید): دارای سبک یکسان، هماهنگ با فرهنگ یهودی
۸۶. انجیل یوحنا: الوهیت عیسی علیه السلام در آن مطرح شده
۸۷. بخش سوم کتاب مقدس جدید: ۲۱ نامه
۸۸. بخش چهارم: منسوب به یوحنا
۸۹. اولین نقد کننده اسفار پنجگانه: ابراهیم بن عزرا: سفر تثئیه به قلم موسی نیست
۹۰. قرون وسطی: قرن نقد دیدگاه سنتی
۹۱. قرن ۲۰: عصر روشنگری: جریان نقد تاریخی کتاب مقدس
۹۲. قرآن: تورات و انجیل: ۲ کتاب آسمانی: رهنمود میدهند، روشنایی هستند و هدایت و نور
۹۳. تاثیر حاکمیت مسیحیت بر چه معه غرب:
۹۴. قرون وسطی: گریزان شدن مردم از دین مسیحیت
۹۵. عوامل جدا شدن مردم از دین: تفتیش عقاید، غیر عقلانی بودن مسیحیت، فساد مالی و اخلاقی کلیسا
۹۶. تمدن بشری امروز وامدار اندیشه برادی اسلامی و تمدن اسلامی
۹۷. تمدن اسلامی
۹۸. تمدن اسلامی: تشویق به فراگیری، بسط عدالت، مدارا و همزیستی مسالمت آمیز
۹۹. قلمرو علم: کاغذ: قرن ۲ هجری: بغداد و مصر، ۴۹۴ هـ مراکش بعدا ا و پا
۱۰۰. قلمرو علم اسلامی: شیمی: ویل دورانت: شیمی از مبدعات مسلمانان
۱۰۱. جابر بن حیان: پدر علم شیمی
۱۰۲. صنعت اسلامی: ساعات آبی، آسیای بادی، چرم سازی، مکانیک
۱۰۳. ریاضیات اسلامی: خوارزمی، کتاب حساب الجبر و المقابله
۱۰۴. پزشکی اسلامی: محمد رازی و ابن سینا
۱۰۵. محمد رازی: تسخیر آبله و سرخک، کتاب الحاوی
۱۰۶. رازی: کتاب قانون
۱۰۷. بسط عدالت: امرت لاعدل بینکم
۱۰۸. عدالت: یکی از عناصر محوری تمدن
۱۰۹. عدالت: شکوفائی استعداد
۱۱۰. هدف نهایی ارسال پیامبران: عدالت
۱۱۱. انواع عدالت: عدالت در داوری، عدالت در برابر قانون، عدالت در اقتصاد، عدالت در امور معنوی و مادی

۱۱۲. امت اسلامی: امت وسط و میانه رو

۱۱۳. مجادله با شیوه بهتر با اهل کتاب، عنکبوت ۴۶: مدارا و همزیستی مسالمت آمیز

۱۱۴. انتقام گرفتن پیامبر در قیامت از آزاردهنده اهل کتاب: مدارا و همزیستی مسالمت آمیز

ضرورت وحی و پیامبری

۱. اثبات حقانیت پیامبری: معجزه
۲. معجزه پیامبر: قرآن
۳. عناصر محوری نبوت: وحی الهی و پیام آور وحی الهی
۴. دو بخش مباحث نبوت: ۱. نبوت عام (کلی) ۲. نبوت خاصه (یک پیامبر)
۵. هدف از آفرینش هر موجودی: رسیدن به کمال مطلوب خود
۶. عقل بدی ظلم و خوبی عدالت را درک می کند ولی نمی تواند مصداق بیابد
۷. هدف از ارسال پیامبران در قرآن: آموختن تعالیمی که هرگز انسان آن ها را نمی دانست
۸. هدف از ارسال پیامبران در قرآن: داوری در اختلاف نظره های فکری
۹. امام رضا علیه السلام: فلسفه بعثت: ناتوانی انسان در درک سود و زیان خود
۱۰. اهداف بعثت پیامبران: یادآوری فطریات، آزاد کردن آنان از قید و بدهی درست، دعوت به توحید، برپایی قسط و عدالت، آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی، بشارت و انذار، علاج امراض روحی به کمال رساندن فضایل اخلاقی
۱۱. اهداف بعثت: امام علی علیه السلام: هدف از بعثت: وفای به پیمان فطرت، یادآوری نعمت ها، تمام کردن حجت بر مردم، آشکار ساختن گنجینه های علم
۱۲. اهداف بعثت: برپایی قسط و عدالت: حدید ۲۵
۱۳. اهداف بعثت: آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی: تزکیه و تطهیر آنها، جمعه ۲
۱۴. اهداف بعثت: بشارت و انذار: نساء ۱۶۵
۱۵. اهداف بعثت: علاج امراض روحی: امام علی علیه السلام: پیامبر طیب است
۱۶. اهداف بعثت: به کمال رساندن فضائل اخلاقی: انما بعثت لمکام الاخلاق
۱۷. وحی
۱۸. وحی در لغت: هر نوع ادراک و تفهیم سری و پنهانی
۱۹. وحی: آهسته سخن گفتن
۲۰. وحی در اصطلاح: آگاهی ویژه ای که خداوند در اختیار پیامبران نهاده

۲۱. وحی در قرآن: وحی بر پیامبران، آسمان ها، زنبور عسل، مادر موسی علیه السلام، وحی های شیطانی
۲۲. وحی به مادر موسی: الهام و القائنات قلبی
۲۳. وحی به صورت مطلق در قرآن: وحی به پیامبران
۲۴. انواع وحی: رویای صادقانه، القا به روح و قلب، ایجاد صوت، توسط فرشته وحی
۲۵. آیه ۵۵ شوری: انواع وحی: وحی، فراسوی حجاب، فرستاده
۲۶. تفکر مادی گرایانه نسبت به انسان: وحی از ذهن پیامبران زاییده شده
۲۷. دلایل رد تجربه عرفانی بودن وحی: نیازمند معیار بودن تجربه عرفانی، اختلافات شهود عرفانی
۲۸. معجزه انبیا
۲۹. معجزه: برگرفته از عجز: ضعف و ناتوانی
۳۰. معجزه: اسم فاعل باب افعال ناتوان کننده و به عجز آورنده
۳۱. معجزه در اصطلاح: عمل خارق العاده نبیا برای اثبات نبوت
۳۲. معجزه در اصطلاح: دعوت کردن مردم رای آوردن مثل یا مقابله با آن
۳۳. معجزه در اصطلاح: ناتوانی مردم از انجام آن و مقابله با آن
۳۴. معجزه قابل تعلیم و تعلم نیست: بنابراین قابل خشی کردن هم نیست
۳۵. معجزه همراه با ادعای نبوت است
۳۶. معجزه همراه با دعوت به مقابله و تحدی است
۳۷. کرامت: امور خارق العاده غیر همراه با دعوی نبوت و تحدی
۳۸. عصمت انبیا: یکی از شرایط نبوت
۳۹. عصمت: در لغت: منع کردن، بازداشتن، نگهداری و مصونیت
۴۰. عصمت: در اصطلاح: مصونیت خاص یا ملکه ی نفسانی بازدارنده از ارتکاب گناه
۴۱. انواع عصمت: عصمت دریافت و حفظ و ابلاغ وحی، عصمت از معصیت و گناه، عصمت از خطا در امور فردی
۴۲. بدون عصمت در دریافت و ابلاغ وحی: ارسال رسولان عبث است
۴۳. دلیل نقلی عصمت در دریافت و ابلاغ وحی: قرآن: سوره جن آیه ۲۶: دو نگهبان خدا برای پیامبران
۴۴. دو نوع تعالیم الهی: گفتاری و کرداری: عصمت در هر دو لازم است برای کسی که آموزش می دهد
۴۵. پیامبران بندگان خالص خدا: شیطان در آنها نفوذی ندارد
۴۶. امامت عهدی است که به ظالمان نمی رسد: عصمت از گناه
۴۷. قرآن: پیامبران برگزیده شده و هدایت شده اند: و من یهد الله...
۴۸. عامل و منشا عصمت: شناخت دقیق و والای خداوند و خواست و رضایت او
۴۹. عامل و منشا عصمت: آگاهی کامل از نتایج کارهای خوب و بد

۵۰. عوامل عصمت: شایستگی ذاتی، مجاهدت های فردی و اجتماعی، عنایات خدا
۵۱. عصمت و اختیار: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک...: دلالت بر توانایی پیامبر در عصیان
۵۲. نقش دین در زندگی دنیایی
۵۳. دین برای سعادت آخرت و دنیا انسان
۵۴. زندگی سعادتمندانه انسان در دنیا: عمل به تعالیم دین
۵۵. جامعیت و کمال دین
۵۶. جامعیت دین: متناسب بودن دین با تمام ابعاد زندگی
۵۷. هر شی را روشنگر کردیم در این قرآن: هرچیز که موجب هدایت، تکامل، سعادت انسان
۵۸. امام علی علیه السلام: قرآن فرمان ده و بازدارنده است
۵۹. امام علی علیه السلام: قرآن بین کده هر چیزی است
۶۰. نگرش سکولار به دین: قرآن و دین بی سعادت اخروی است نه دنیوی
۶۱. ضرورت تشکیل حکومت: عدالت مبارزه با مفسدان، تربیت صحیح
۶۲. سکولاریسم
۶۳. سکولاریسم: فارسی: دنیامداری، دنیا محوری، دین گیزی، دین جدایی
۶۴. سکولاریسم: اصطلاح: بریان ویلسون: یک ایدئولوژی نف امور ماورای الطبیعی
۶۵. سکولاریسم: استفاده از اصول غیر دینی به عنوان مبنای اخلاق شخصی
۶۶. سکولاریسم: عقل ابزاری و تجربی و بدون وحی
۶۷. سکولاریسم: فلسفی: ساختار نظام های فکری و مذهبی عقلانی
۶۸. عوامل سکولاریسم: متون مقدس و منابع اولیه آن، رفتار نادرست متولیان کلیسا
۶۹. عوامل سکولاریسم: متون مقدس: عیسی علیه السلام: حق خدا را به خدا و حق دولت ر به دولت
۷۰. عوامل سکولاریسم: نبود قوانین اجتماعی و حکومتی (نبود شریعت)
۷۱. عوامل سکولاریسم: ناسازگاری آموزه های کلامی و فلسفی مسیحیت با عقل و علوم تجربی (گناه ذاتی انسان؛ مرگ فدییه وار عیسی)
۷۲. مبانی سکولاریسم: عقل گرایی و علم گرایی
۷۳. علم گرایی: اعتقاد به محوریت علوم تجربی
۷۴. علم گرایی: با علوم تجربی میتوان جامعه را تدبیر کرد: مکانیکی، مشاهده، آزمایش
۷۵. علم گرایی: سکولار شدن علم: محدود شدن حوزه معرفت به حوزه علوم تجربی
۷۶. پشتوانه تفکر سکولاریستی: مادی گرایی
۷۷. تصور سکولاریسم از عقل: عقل بی بهره از مبانی دینی

۷۸. اسلام: عقل انسان همسنگ با تعالیم انبیای الهی از اعتبار دارد
۷۹. ابزار علم تجربی: مشاهده و آزمایش: در حوزه اخلاقی و معنوی کاربرد ندارد
۸۰. قاطعیت نداشتن فرضیه های علیم: نقد علم گرایی سکولاری
۸۱. اسلام و سکولاریسم: سکولاریسم اسلامی: اسلام را دین انفرادی میدانند
۸۲. ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنها ملک بزرگی بخشیدیم: نشا ۵۴
۸۳. کتاب و حکمت: مرجعیت علمی و دنی
۸۴. فرمانروایی بزرگ: مرجعیت سیاسی
۸۵. لیبرالیسم
۸۶. لیبرالیسم: آزادی خواهی و آزاد منشی
۸۷. لیبرال: اعتقاد به آزادی و اخلاق قدرت انتخاب انسان ها
۸۸. لیبرال: پدیده و ایدئولوژی غرب
۸۹. اصل لیبرالیسم: اسپانیا: قرن ۱۹: حامی استقرار مشروطه در اسپانیا
۹۰. زمینه های شکل گیری لیبرالیسم: سکرا (۱) تفادی به آزادی بیان و تحقیق) & پیتربلارد (سرباز زدن از پذیرفتن بی چون و چرای کلیسا)
۹۱. لیبرالیسم: زائیده تمدن بعد از رنسانس
۹۲. لیبرالیسم: آراسموس هلندی، رنه دکارت فرانسه، جان میلتون انگلیس
۹۳. آراسموس: انسان گرای مسیحی، جای دادن آرمان های انسان گرایی در مسیحیت
۹۴. دکارت: کتاب گفتار در روش: مدعی حاکمیت عقل در امور انسانی
۹۵. دکارت: عقل یگانه روش کشف حقیقت
۹۶. کانت: برای انسان به عنوان یک فرد ارزش ذاتی قائل است
۹۷. مبانی لیبرالیسم: ۱. فردگرایی ۲. آزادی ۳. عقل گرایی ۴. عدالت و برابری ۵. تساهل
۹۸. مبانی لیبرالیسم: فرد بر جامعه ارجحیت دارد
۹۹. مبانی لیبرالیسم: جامعه از هویت، منافع، استقلال فرد حمایت میکند
۱۰۰. فتودال: افراد دارای هویت شخصی نبودند
۱۰۱. لیبرال: زندگی بدون آزادی ارزش ندارد
۱۰۲. لیبرال: حق آزادی کامل را به فرد نداده است
۱۰۳. لیبرال: دفاع از آزادی، تنگاتنگ با عقل گرایی
۱۰۴. لیبرال: عقل را راهنما و هدایتگر خود می داند نه وحی را
۱۰۵. لیبرال: عقل گرایی: مدافع آزادی اعتقاد و دین و آزادی بی دینی و بی اعتقادی

۱۰۶. لیبرال: دین تنها به حوزه شخصی افراد مربوط است
۱۰۷. لیبرال: رسیدن به آزادی کامل دینی: دینداری یا غیردینی ساختن زندگی عمومی
۱۰۸. اصل لیبرالیسم: عدالت و برابری
۱۰۹. لیبرال: کسب ثروت: نشانه شایستگی افراد
۱۱۰. لیبرال: تساهل: مدارا: اجازه می دهد مردم به طریقی سخن بگویند و عمل کنند که به میل ما نباشد
۱۱۱. لیبرال: تساهل: ولتر: من از آنچه که تو می گویی بی زام، اما تا پای مرگ از حق تو برای گفتن آن دفاع می کنم
۱۱۲. تساهل: آزادی بیان، آزادی تشکیل انجمن ها، آزادی دین و مذهب
۱۱۳. لیبرالیسم: کثرت گرایی
۱۱۴. جان لاک: نامه ای برای تساهل: دولت هیچ گونه حقی برای مداخله در مراقبت از روح انسان ندارد
۱۱۵. فردگرایی، آزادی، عقل گرایی: ملازم هم
۱۱۶. لیبرال: آزادی: رها شدن فرد به حال خود، فارغ از دیگران
۱۱۷. دو نوع تمایلات انسانی: تمایلات ذسی، تمایلات انسانی
۱۱۸. بنده شهوت از بنده مالک و ارباب ذلیل تر است. امام علی علیه السلام
۱۱۹. مبارزه با تمایلات نفسانی، جهاد اکبر است
۱۲۰. راز تعدد شریعت ها
۱۲۱. گوهر مشترک همه شرایع الهی: تسلیم بودن در برابر خدا: اسلام
۱۲۲. اصول مشترک ادیان: توحید، نبوت، معاد
۱۲۳. برای هر یک از شما، شریعت و راه روشنی قرار دادیم. مائده ۴۵
۱۲۴. هیچ باطلی به قرآن راه ندارد. فصلت ۴۲
۱۲۵. حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه
۱۲۶. قوانین اسلام براساس فطرت و ساختار وجودی انسان
۱۲۷. قوانین اسلام ثابت و پابرجاست: رمز بقای اسلام
۱۲۸. گرایش انسان به دین: مقتضای فطرت انسان (روم ۳۰)
۱۲۹. ابزارهای عالمان اسلامی: حجیت و حکم عقل، قاعده اهم و مهم، گشوده بودن باب اجتهاد، پیروی از قواعد حاکمه فقهی
۱۳۰. عقل یکی از منابع فقه اسلامی
۱۳۱. اجتهاد: روایات، اجماع، عقل و قرآن ابزارشان است
۱۳۲. قواعد حاکمه فقهی: قاعده های نفی ضرر و نفی حرج
۱۳۳. قواعد حاکمه: قواعدی که بر تمامی احکام و مقررات اسلامی چیره اند و بر آنها حکمرانی میکنند
۱۳۴. حقانیت و نجات بخشی مطلق یک دین: انحصارگرایی

۱۳۵. انحصار گرایی: یک دین حقانیت کامل دارد، سایر ادیان اهل جهنم اند
۱۳۶. اسلام دین نجات، تایید مذاهب پیش از خود، ولی آنها تحریف شده اند
۱۳۷. اسلام برای حقانیت خود: قرآن معجزه جاوید، سوره ای مانند آن بیاورد
۱۳۸. برهان خواهی قرآن از کسانی که می گویند، ما راست می گوئیم، (نمل ۶۴)
۱۳۹. شمول گرایی دینی: یک دین خاص حق است، پیروان دیگر به اندازه انطباق با آن، اهل نجات اند
۱۴۰. شمول گرایی دینی: مسیحیت
۱۴۱. شمول گرایی: گسترده ترین دیدگاه میان متکلمان مسیحی و رهبران کلیسا
۱۴۲. کثرت گرایی دینی: همه ادیان و مذاهب به یک اندازه حقانیت دارد
۱۴۳. مدافع و مروج کثرت گرایی دینی: جان هیک: صاحب نظر قلمرو فلسفه دین
۱۴۴. جان هیک: وجود یک حقیقت مطلق در خارج، یک واقعیت متعالی
۱۴۵. جان هیک: انسان با حقیقت مواجه شده و تفسیر گوناگون می دهد
۱۴۶. جان هیک: تفسیر مهم نیست، مواج با حقیقت مهم است
۱۴۷. قرآن برای همه است
۱۴۸. کثرت گرایی تبیین درستی برای مذاهب نیست
۱۴۹. رابطه علم و دین:
۱۵۰. رنسانس: برخورد نادرست کلیسا با علم: مورد توجه قرار گرفتن رابطه علم و دین
۱۵۱. علم: معنای خاص: علوم تجربی
۱۵۲. علم: معنای عام: علم هنر، علم های مختلف
۱۵۳. علم تجربی: روان شناسی، جامعه شناسی، باستان شناسی، علوم طبیعی
۱۵۴. دین: ادیان ابراهیمی: یهودیت، مسیحیت، اسلام
۱۵۵. ویژگی های علم تجربی: روش کسب: مشاهده و آزمایش
۱۵۶. ویژگی علم تجربی: قلمرو فعالیت: امور مادی
۱۵۷. ویژگی علم تجربی: باز نمود جهان عینی بودن مفاهیم و قوانین علمی
۱۵۸. ویژگی علم تجربی: رئالیسم بودن دانشمندان در کار علمی
۱۵۹. ویژگی علم تجربی: نظریه های علمی: بیانگر رویداد های جهان خارج
۱۶۰. ویژگی علم تجربی: غیر قابل ثابت بودن هیچ نظریه در علوم تجربی
۱۶۱. ویژگی علم تجربی: هر ضابطه سازی و تدوین، دستخوش بازبینی
۱۶۲. ویژگی علم تجربی: هرگز یقین وجود ندارد
۱۶۳. دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی

۱۶۴. ولا تقف فی مالک به علم
۱۶۵. بدترین جانداران نزد خدا: کرولال های تعقل نکننده
۱۶۶. دوزخیان به دستور عقل عمل نکرده اند
۱۶۷. امام کاظم علیه السلام: دو حجت: حجت آشکار: امامان و رسولان؛ حجت پنهان: عقل
۱۶۸. عقل حجیت خاص در دین
۱۶۹. یکی از حوزه های فعالیت عقل: علوم تجربی
۱۷۰. اگر علم به یقین برسد: اسلام آن را تایید میکند
۱۷۱. علم را طلب کنید حتی اگر در چین باشد
۱۷۲. انواع رابطه علم و دین: علم و دین، دو روش بیان یک واقعیت، علم تایید کننده دین، علم و دین مکمل هم
۱۷۳. علم و دین دو روش بیان یک واقعیت: حرکت زمین در قرآن مانند گهواره، گالیه
۱۷۴. علم تایید کننده دین: زوجیت عمومی در قرآن و شارل لینه کاشف آن
۱۷۵. علم و دین مکمل هم: علم: چه چیز و چگونه
۱۷۶. دین: هدف و غایت آن
۱۷۷. دونالد مک کی: رابطه علم و الهیات: رابطه مکمل
۱۷۸. دونالد مک کی: علم دنبال علل، الهیات معنای وقایع
۱۷۹. پیدایش عالم محصول فرآیند تطبیعی، علم مخلوق خداست
۱۸۰. استاد مطهری: علم و ایمان مکمل هم اند.
۱۸۱. استاد مطهری: راه شناخت کامل جهان: شناخت علمی و شناخت دینی
۱۸۲. ناسازگاری علم و دین: نظریه زمین مرگزی و سکون مسیحیت
۱۸۳. مطهری: علم: روشنایی و توانایی، ابزار سازی، سرعت دادن، توانستن استف نمایان کردن چه بودن، انقلاب برون، جهان را جهان آدمی کردن، گسترش وجود انسان به صورت افقی، طبیعت ساز، نیروی منفصل می دهد، زیبایی قل، زیبایی اندیشه، امنیت برون، سازگار کننده انسان با جهان
۱۸۴. مطهری: ایمان: عشق و امید و گرمی، مقصد است، جهت دهنده، خوب خواستن، چه باید کرد، انقلاب درون، روان آدمی را روان آدمیت کردن، گسترش وجود انسان به صورت عمودی، انسان ساز، نیروی متصل می دهد، زیبایی روح، زیبایی احساس، امنیت درونی، سازگار کننده انسان با خودش

شناخت اسلام

۱. برنامه کلی اسلام: تسلیم شدن در برابر احکام الهی
۲. اولین نامگذار اسلام: حضرت ابراهیم علیه السلام
۳. اسلام در اصطلاح: آخرین و کاملترین شریعت فرستاده شده از طرف خدا برای انسان
۴. قوانین اسلام: مطابق با فطرت، عقل آدمی
۵. زبان خطاب های قرآن: زبان متعارف عقلایی
۶. قرآن قول ثقیل است: نیاز به تفسیر دارد
۷. معارف قرآن دارای مراتب است
۸. معارف قرآن: عبارات، لفظ صریح، اشاره، لطایف، حقایق
۹. معارف قرآن: عبارات: فهم توده مردم
۱۰. معارف قرآن: اشارات: برای خواص
۱۱. معارف قرآن: لطایف: اولیا الهی
۱۲. معارف قرآن: حقایق: انبیا
۱۳. باطن منافی ظاهر نیست: بلکه تعمیق آن ظاهر است
۱۴. وظیفه بیان و تبیین قرآن: پیامبر، امامان، عالمان متعهد و پرهیزگار
۱۵. قرآن کتاب اثبات نبوت: همراه با دعوی، دعوت به تحدی، عاجز بودن مردم از وردن مانند قرآن
۱۶. قرآن برتر از همه معجزات پیامبران دیگر: برای تمام دوران بشریت
۱۷. ابعاد اعجاز قرآن: فصاحت و بلاغت، معارف الهی، عدم اختلاف سبک و محتوا، اسرار آفرینش، خبرهای غیبی
۱۸. فصاحت و بلاغت: به زبان عربی، شیوا و ساده ترین وجه
۱۹. فصاحت قرآن: کاربرد شیواترین و جذابترین الفاظ و ترکیبات جذاب
۲۰. بلاغت قرآن: رساندن معانی به مخاطبان به بهترین شیوه
۲۱. ولید بن مغیره: ریحانه العرب: قرآن نه سخن انسان است نه جن
۲۲. ولید بن مغیره: سخنی والاتر از قرآن نیست
۲۳. اعجاز قرآن از نظر معارف الهی: معارف بلند قرآن از فرد درس نخوانده اعجاز است
۲۴. هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا: مدت زمان نزول قرآن: بیست و سه سال
۲۵. هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا: تکمیل تر شدن مهارت انسان با گذشت زمان و متفاوت بودن حالات به هنگام نوشتن

۲۶. هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا: افلا يتدبرون القرآن... اختلافا كثيرا
۲۷. اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش: قرآن کتاب علمی نیست، این اسرار جنبه تربیتی دارد
۲۸. اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش: حرکت زمین، تلقیح نباتات با باد، جاذبه عمومی
۲۹. عصر نزول قرآن: عصر زمین محوری (زمین ثابت)
۳۰. توصیف زمین در قرآن: مهد (گهواره): حرکت ملایم، آرام و نرم
۳۱. حرکت زمین: الذی جعل لکم الارض مهذا
۳۲. حرکت زمین: وترى الجبال تحسبها ...
۳۳. اسرار آفرینش در قرآن: تلقیح نباتات با باد: وارسلنا الرياح لواقح...
۳۴. اسرار آفرینش در قرآن: جفت آفریدن همه موجودات:
۳۵. زوجیت عمومی: قرن ۱۸: گیا شاه سوئدی: به نام لینه
۳۶. اعجاز قرآن از نظر خبر غیبی: توانی انسان از معارضه با قرآن
۳۷. اعجاز قرآن از نظر خبر غیبی: پیروزی رومیان پس از مدت کوتاه: جنگ بدر و روم
۳۸. اعجاز قرآن از نظر خبر غیبی: پیروزی پیغمبر بر مشرکان
۳۹. اعجاز قرآن از نظر خبر غیبی: خبر بازگشت پیامبر به کعبه: لرادک الی المعاد (معاد: بازگشت گاه؛ وطن)
۴۰. مصونیت قرآن از تحریف: معجزه بودن قرآن در سبک و محتوا
۴۱. مصونیت قرآن از تحریف: دلیل: حافظ بودن قرآن بسیاری از افراد
۴۲. مصونیت قرآن از تحریف: دلیل: برعهده گرفتن صیانت از قرآن توسط خدا
۴۳. مصونیت قرآن از تحریف: دلیل: برعهده گرفتن صیانت از قرآن توسط خدا: ان جن، لام تاکید، جمله اسمیه
۴۴. مصونیت قرآن از تحریف: دلیل: نگفتن سخنی از امامان درباره تحریف قرآن
۴۵. سنت: مقام تبیین و توضیح آیات الهی
۴۶. سنت: لغت: روش و طریقه
۴۷. سنت: اصطلاح: تمام گفتارها، کردارها، تقریرهای معصومان
۴۸. گفتار معصومین: مطالب بیان شده توسط پیامبر و امام معصوم در تبیین آیات
۴۹. فعل و کردار معصوم: مباح بودن و مشروعیت عمل
۵۰. تقریر: امضاء، تایید معصوم: عمل پیش معصوم انجام گیرد، موضع مخالف با آن اعلام نکند
۵۱. سنت: گفته های و اعمال معصومین در تبیین آیات الهی
۵۲. حجیت سنت: معصوم بودن پیامبر و امامان: کردار و گفتار آنها حجت
۵۳. تبیین آیات الهی بر عهده پیامبر: حجیت سنت
۵۴. وجوب اطاعت از خدا، پیامبر، اولی الامر (امامان معصوم): حجیت سنت

۵۵. دو شان پیامبر: یک بیان و توضیح احکام الهی دو. مسائل حکومتی و قضائی
۵۶. ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه... آنچه پیامبر می گوید بخشی از وحی الهی و حجت است
۵۷. عترت و اهل بیت: همسنگ قرآن: دلایل: حدیث ثقلین و حدیث سفینه
۵۸. عقل در لغت: منع و بازداشتن. وسیله دارای بازدارندگی مانند افسار حیوان
۵۹. عقل: قوه ای که انسان را از بیراهه باز می دارد
۶۰. عقل: اصطلاح: متمایز کننده انسان از حیوان، تفکر و استدلال، تشخیص خوب و بد
۶۱. تقسیمات عقل: عقل نظری و عقل عملی: یک عقل با دو کاربرد
۶۲. عقل نظری: درک اموری که مستقیماً و بی واسطه مقتضی تاثیر در مقام عمل نباشد
۶۳. عقل نظری: هست ها و بود ها
۶۴. عقل نظری: کارکرد عقل: چیزهایی که شایسته دانستن است
۶۵. عقل نظری: انسان موجودی و بسته چنان متغیر
۶۶. عقل عملی: درک اموری که مستقیماً مقتضی تاثیر در مقام عمل است
۶۷. عقل عملی: قبیح بودن ظلم
۶۸. عقل عملی: خوبی ها و بدی ها، باید و نبایدها
۶۹. حجیت عقل: حجیت احکام یقینی عقل، فطری و عملی ذاتی است
۷۰. حجیت عقل: به واسطه عقل است که حجت های دیگر را درک می کنیم
۷۱. عقل: درک کننده خوبی و بدی افعال
۷۲. امامیه: عقل: درک حسن و قبح پاره ای از افعال
۷۳. اشاعره: هیچ فعلی نه به خودی خود زیباست نه زشت
۷۴. اشاعره: منشا حسن و قبح: امر و نهی شارع
۷۵. اشاعره: امر حسن: امری که خدا دستور به انجام آن داده است
۷۶. شیعه: حسن و قبح ذاتی اشیا: شرع و دین ثابت نمی شود
۷۷. اگر قبح و زشتی از طریق شرع و اخبار باشد: ناتوانی در حکم خوبی و بدی هیچ فعلی
۷۸. امر الهی به عدل و احسان و نهی از منکر: جنب یادآوری دارد نه آموزشی
۷۹. درک به وسیله عقل صورت گرفته است
۸۰. امام صادق علیه السلام: بندگان خدا، با عقل خدای خویش را می شناسند
۸۱. احکام قطعی عقل، حجیت دارد
۸۲. عقل یکی از منابع دین: حجیت باطنی
۸۳. رابطه عقل و دین: ایمان گرایی و عقل گرایی

۸۴. ایمان گرایی: فعالیت عقلانی در آن کارآمد نیست
۸۵. ایمان گرایی: براساس عقل باورها را نپذیرد، به آن ها ایمان بیاورد. مانند مسیحیت
۸۶. عقل گرایی: اعتقادات دینی، قابل ارزیابی با معیارهای عقلانی
۸۷. عقل گرای: سازگاری بین دین و عقل
۸۸. اسلام: عقل و دین دو موهبت الهی: عقل دین را و دین عقل را تأیید میکند
۸۹. قرآن: بدترین جنبدگان: کران و لالانی که نمی اندیشند
۹۰. نزول قرآن برای تعقل است. رابطه عقل و دین
۹۱. امام کاظم علیه السلام: عقل حجت درونی و باطنی
۹۲. امام صادق علیه السلام: هرکس عاقل است، دین دارد، هرکس دین دارد به بهشت میرود
۹۳. دین برای تعقل و خردورزی
۹۴. اهل حدیث: حرام شمردن بحث و چن و چرا درباره استدلال عقلی احکام
۹۵. شیعه: پذیرفتن دین و اصول دین به روش عقل
۹۶. ایمانگرایان: ایمان ضد عقل است، ایمان فرار از عقل آدمی
۹۷. ایمانگرایان: دین مسیحیت
۹۸. پولس: فلسفه و خردورزی: هم ردیف با مکر و باطل
۹۹. ترتولیان: آتن را با اورشلیم چه کار
۱۰۰. پایه گذار فلسفه اگزیستانسیالیسم: کی یرکگارد: ایمان دین اصیل: پایان عقل
۱۰۱. توماس آکوئیناس: متکلم عقل گری مسیحی: همسوکننده آموزه های ارسطو با مسیحیت
۱۰۲. توماس آکوئیناس: تثلیث را با عقل نمی توان فهمید باید ایمان آورد
۱۰۳. قرآن: دینی که با عقل سازگار نیست، تحریف شده است
۱۰۴. خاتمیت: یکی از ضروریات اسلام
۱۰۵. خاتمیت: ختم شدن سلسله پیامبران الهی به پیامبر اسلام
۱۰۶. خاتمیت در قرآن: ماکان محمد ابا احد منکم وخاتم النبیین
۱۰۷. خاتم: پایان دادن به چیزی، از ماده ختم
۱۰۸. ختم: مهر زدن بر چیزی
۱۰۹. امام صادق علیه السلام: خاتم النبیین یعنی لا نبی بعد محمد..
۱۱۰. پیامبر اسلام: خاتم انبیا و رسولان است
۱۱۱. نبی: از طرف خدا به او وحی می شود
۱۱۲. نبی: معنای عام دارد

۱۱۳. رسول: از طرف خدا به او وحی می شود و از غیب خبر دارد
۱۱۴. رسول: مامور به تبلیغ آنچه به او وحی میشود است
۱۱۵. رسول: دارای شریعت جداگانه است
۱۱۶. رسول: دارای کتاب آسمانی
۱۱۷. نبی عام تر از رسول است.
۱۱۸. هر کس رسول است، نبی هم هست
۱۱۹. هر کس نبی هست، ممکن است رسول باشد ممکن است نباشد
۱۲۰. ختم نبوت به معنای ختم رسالت هم هست
۱۲۱. پیامبران الهی صد و بیست و چهار هزار: ۳۱۳ نفر رسول
۱۲۲. اکمال دین: خاتمیت اسلام - حضرت محمد صلی الله علیه و آله: نیاز نبود به دین دیگر
۱۲۳. خاتمیت در روایات اسلامی: حدیث منزلت: قبل از جنگ تبوک: لانی بعدی
۱۲۴. خاتمیت در روایات اسلامی: مثل پمب در میان پیامبرا: آخرین آجر مانده یک خانه زیبا
۱۲۵. امیرالمومنی علیه السلام: خدا حضرت محمد (ص) را برای وفای عهد خود، اتمام و اکمال نبوت مبعوث کرد.
۱۲۶. شبهه خاتمیت: اقبال لاهوری: پایان حاکمیت غرضه: دوره دوره هدایت عقل
۱۲۷. شبهه خاتمیت: اقبال: هدایت عقل تجربی جانشین وحی: خطاست
۱۲۸. امام صادق علیه السلام: عقل راهنمای مومن است
۱۲۹. شبهه خاتمیت: پایان ولایت شخصی، قرآن بی استدلال، دیگر سخنی بدون استدلال قبول نیست
۱۳۰. روش فهم دین: ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر
۱۳۱. امام باقر علیه السلام: هر کس گمان کند که قرآن کتابی مبهم است، خود را نابود کرده است
۱۳۲. روشمند بودن فهم دین: آگاهی از زبان عربی: نخستین پایه برای فهم قرآن
۱۳۳. روشمند بودن فهم دین: آگاهی از معانی الفاظ قرآن
۱۳۴. روشمند بودن فهم دین: مراجعه به احادیث صحیح
۱۳۵. روشمند بودن فهم دین: توجه به شان نزول آیات
۱۳۶. روشمند بودن فهم دین: آگاهی از تاریخ و محیط نزول قرآن
۱۳۷. روشمند بودن فهم دین: شناخت آیات مکی و مدنی
۱۳۸. آیات مکی: طرح عقاید و معارف اسلامی
۱۳۹. آیات مدنی: طرح احکام
۱۴۰. روشمند بودن فهم دین: پرهیز از هرگونه پیش داوری

امامت

۱. امام: پیشوا، رهبر
۲. امام: از ریشه اُم به معنی: قصد کردن؛ توجه کردن
۳. امام: پیشوای صالح و ناصالح
۴. یوم ندعوا کل اناس بامامهم (اسرا ۷۱)
۵. امام: شیعه: جانشین رسول خدا، ولایت عام و فراگیر در امور دنیوی
۶. ویژگی امام: از جانب خدا، معصوم باشد، علم وسیع لدنی در همه امور
۷. امام سنی: منصبی غیر الهی
۸. امامت: اهل سنت: مصالح همگانی امت
۹. امامت: شیعه: ستون و پایه دین: ادامه رسالت
۱۰. نیاز به وجود امام: بحث شیوه حکومت اسلامی
۱۱. نیاز به وجود امام: تبیین، تشریح اصول و معارف و بیان احکام بین اندیشه های مختلف
۱۲. نیاز به وجود امام: مرجعیت علمی امامان
۱۳. نیاز به وجود امام: هماهنگ و وحدت جامعه اسلامی
۱۴. سه وظیفه پیامبر: دریافت و ابلاغ وحی، تبیین وحی، زمامداری جامعه اسلامی
۱۵. دلیل نصب امام: تبیین احکام الهی
۱۶. دلیل نصب امام: تفسیر صحیح در مورد معارف و احکام اسلامی
۱۷. دلیل نصب امام: جلوگیری از گسترش احادیث معجول
۱۸. سمره بن جندب: جاعل حدیث دستگاه معاویه، تغییر شان نزول آیات
۱۹. علامه امینی: الغدیر: نام و ویژگی ۷۰۰ نفر از جاعلان حدیث
۲۰. امام صادق علیه السلام: خدا زمین بی حجت خالی نمی گذارد: اگر اینگونه نباشد حق از باطل شناخته نمی شود
۲۱. امام صادق علیه السلام: زمین خالی از پیشوای معصوم نمی باشد تا اگر افراد با ایمان مطلبی را در دین افزودند، آن را رد کن و اگر کم کردند، تکمیل نماید.
۲۲. مناظره هشام بن حکم از شاگردان امام صادق (با شامی: اگر قرآن و احادیث برای رفع اختلاف کافی هست، چرا من و شما اختلاف داریم؟)
۲۳. مناظره هشام بن حکم از شاگردان امام صادق علیه السلام (با عمرو بن عبید: نقش اعضا و عقل: عقل برای تمیز اوضاع، رفع تردید های ادراک، آیا خدایی که این را در بدن قرار داده، برای جامعه برنامه ای ندارد؟)

۲۴. دلیل نصب امام: خطرات موجود پس از رحلت پیامبر: روم، ایران، منافقان
۲۵. دلیل قرآنی نصب امام: آیه انذار: وانذر عشیرتک الاقربین...
۲۶. آیه انذار: شعرا ۲۱۶ تا ۲۱۴: و خویشان نزدیک را هشدار ده، و برای آن مومنانی که تو را پیروی کرده اند، بال خود را فرو گستر و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: من از آنچه می کنید بیزارم:
۲۷. آیه انذار: ۳ سال بعد از بعثت: شروع دعوت همگانی از نزدیکان
۲۸. آیه انذار: ۴۵ نفر از شخصیت های بنی هاشم: ابولهب مجلس را برهم زد
۲۹. آیه انذار: نخستین وصی اسلام، همراه بودن نبوت و امامت
۳۰. آیه انذار: سه بار اعلام آمادگی امام علی علیه السلام در مجلس مهمانی برای یاری پیامبر
۳۱. هان ای خویشاوندان و بستگان من بدانید که علی برادر و وصی و خلیفه ی من در میان شماست // پیامبر
۳۲. دلیل قرآنی امامت: آیه ولایت: دادن انگشتر در نماز
۳۳. آیه ولایت: مائده ۵۵: انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون
۳۴. آیه ولایت: ولی: سرپرست، حاکم، صاحب اختیار، حکومت اسلامی
۳۵. مائده ۵۶: و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فن حزب الله هم الغالبون
۳۶. آیه ولایت: زکات: هر انفاقی که در راه خدا باشد زکات
۳۷. زکات واجب و مستحب در مکه بکار رفته
۳۸. دلیل قرآنی نصب امام: آیه تبلیغ: داستان غدیر: یا ایها الرسول بلغ ما نزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله بعصمک من الناس
۳۹. غدیر: ۱۸ ذی الحجه
۴۰. پیشی گرفتن از ثقلین یا دوری از آنها: نابودی و هلاکت
۴۱. حدیث غدیر: حدیث متواتر از ۱۱۰ صحابه، ۸۹ تابعین، ۳۵۰ عالم و محدث
۴۲. حدیث غدیر: گفتن از توحید، نبوت، معاد: نشان از اهمیت مسئله
۴۳. دلایل روایی امامت: حدیث منزلت: نسبت علی علیه السلام به پیامبر، هارون به موسی
۴۴. حدیث منزلت: جنگ تبوک: رومیان: ماندن امام علی علیه السلام در مدینه
۴۵. حدیث منزلت: مقام هارون: نبوت، وزارت، جانشین و خلافت
۴۶. دلیل روایی امامت: حدیث سفینه: مثل اهل بیت: کشتی نوح
۴۷. دلیل روایی امامت: امامان دوازده گانه عزت اسلام
۴۸. خلفای نخستین: ۴ نفر
۴۹. بنی امیه: ۱۴ نفر ظالم به جز عمر بن عبدالعزیز
۵۰. خلفای بنی عباس ۳۷ نفر

۵۱. دلایل عصمت امامان: منصب الهی بودن امامت
۵۲. امامت عهدی الهی است: مقام عهد الهی به ظالمان نمی رسد
۵۳. ظلم: ظلم به خود و دیگران را شامل می شود
۵۴. دلیل عصمت امامان: آیه تطهیر
۵۵. آیه تطهیر: رجس: هر نوع پلیدی فکری و روحی و رفتاری
۵۶. اراده تطهیر همگان تشریعی است
۵۷. اراده تطهیر اهل بیت: تکوینی است. وقوع آن حتمی است
۵۸. مطهر بودن معصومین: اکتسابی و موهبتی است
۵۹. دلیل عصمت امامان: حدیث ثقلین: همسنگ بودن امامان با قرآن
۶۰. محبت به اهل بیت: از ضروریات دین قل لا اسلکم علیه اجرى الا موده...
۶۱. آیه مودت: قل لا اسلکم علیه اجرى
۶۲. محبت به اهل بیت: محبت به انسان با کمال نردبان صعود به کمال
۶۳. بازتاب محبت به اهل بیت: پیروی از عمل آنها
۶۴. مهدویت:
۶۵. هدف نهایی پیامبرا: ظهور حضرت مهدی عج و عدل و داد
۶۶. میلاد امام دوازدهم: پانزدهم شعبان دویست و پنجاه و پنج ۲۵۵ هـ.ری. سامرا
۶۷. نام و کنیه امام دوازدهم: نام و کنیه پیامبر اکرم ص
۶۸. دو غیبت حضرت ولی عصر: غیبت صغری و غیبت کبری
۶۹. شروع غیبت کبری: ۲۶۰ هجری، شهادت امام یازدهم تا ۳۲۹ هجری
۷۰. چهار نائب امام: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن نوح، محمد سمري
۷۱. اختلاف شعبه و سنی در امام دوازدهم: به دنیا آمدن ایشان
۷۲. اولیای الهی از نظر قرآن: ۲ نوع: ظاهری و غایب (مانند حضرت خضر)
۷۳. غیبت به معنای جدایی از جامعه نیست مانند خورشید پس ابر
۷۴. راز غیبت: یکی از رازهای الهی
۷۵. غایب شدن در گذشته: حضرت موسی علیه السلام چهل روز، حضرت عیسی، حضرت یونس
۷۶. راز غیبت: امام باقر علیه السلام: برای جلوگیری از کشته شدن
۷۷. راز غیبت: آزمودن مردم عصر غیبت برای سنجیدن استواری آنها درایمان
۷۸. طول عمر حضرت مهدی عج: یازده قرن
۷۹. رسالت حضرت نوح: ۹۵۰ سال

- ۸۰ حضرت یونس: اگر تسبیح کننده نبود تا قیامت در شکم ماهی می ماند: امکان زنده بودن تا قیامت
- ۸۱ نشانه های ظهور: نشانه های حتمی و غیر حتمی
- ۸۲ معنای انتظار: چشم به راه بودن
- ۸۳ معنای انتظار: ظهور حضرت مهدی را چشم به راه بودن
- ۸۴ در انتظار نوعی کوشش و تلاش است: فراهم کردن زمینه
- ۸۵ در انتظار بودن حضرت یعقوب علیه السلام و تلاش برای پیدا کردن حضرت یوسف علیه السلام
- ۸۶ پیامبر صلی الله علیه و آله: افضل اعمال امت من، انتظار فرج از ناحیه خداست.
- ۸۷ انتظار عمل است: آماده سازی خود و جامعه: جامعه: دفعتا دگرگون نمیشود
- ۸۸ امام صادق علیه السلام: منتظر قائم: ورع و اخلاق نیکو داشته باشد.

مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

۱. لازمه رشد و تکامل حیات عقلی انسان: زندگی اجتماعی
۲. انسان عاقل: موجودی اجتماعی است.
۳. حکومت: یکی از ارکان جامعه
۴. دلیل تشکیل حکومت: وحدت مسلمانان بدون حکومت امکان پذیر نیست
۵. دلیل تشکیل حکومت: اجرای قوانین اسلام، مستلزم تشکیل حکومت است
۶. ولایت فقیه:
۷. ولایت: حکومت کردن، تصرف کردن، دست یافتن
۸. ولی در عربی: آمدن چیزی در پی چیزی دیگر، بی آنکه بین آنها فاصله ای رخ دهد
۹. ولی: قرب و پیوند معنوی
۱۰. ولایت در اصطلاح: سرپرستی و حاکمیت
۱۱. فقیه: عالم و متخصص در فقه
۱۲. فقیه: آگاه به احکام حلال و حرام دین اسلام
۱۳. امام خمینی: ولایت فقیه: ولایت فرد عادل و عالم به قوانین اسلام
۱۴. امام خمینی: اختیارات ولایت فقیه: مانند اختیارات پیامبر در حکومت
۱۵. حکومت وظیفه ای مشابه بر دوش پیامبر است و امامان و ولی فقیه
۱۶. حکومت فقیه: در محدوده قانون اسلام
۱۷. شیخ مفید: سلطان عادل و حاکم اسلامی مجری حدود الهی

۱۸. شیخ مفید: مجری حدود: امامان معصوم، منصوبان آنها: فقیه شیعه
۱۹. شیخ مفید: سلطان عادل: امام معصوم علیه السلام
۲۰. ملا احمد نراقی: برآنچه پیامبر و امام ولایت دارند، فقیه نیز ولایت دارد
۲۱. شیخ محمد حسن نجفی: صاحب جواهر
۲۲. شیخ محمد حسن نجفی: عمومیت ولایت فقیه از مسلمات و بدیهات
۲۳. شیخ محمد حسن نجفی: وجوب اطاعت از ولایت فقیه به عنوان اولی الامر
۲۴. شیخ محمد حسن نجفی: جایگاه فقیه در امور اجتماعی همان جایگاه امام
۲۵. شیخ محمد حسن نجفی: تعطیل شدن امور شیعه بدون نیابت عامه فقها
۲۶. هدف حکومت در اسلام: عمل به دستورهای الهی
۲۷. حکومت در اسلام: احقاق حقوق و ابطال باطل
۲۸. حکومت در اسلام: حکومت وظیفه و امانت بر عهده آنها (فقها)
۲۹. ابن عباس از زبان امام علی علیه السلام شنیده: نزد من کفش پینه خورده ام دوست داشتنی تر است از حکومت.
۳۰. هدف حکومت ولی فقیه: تشکیل زمینه ظهور حضرت ولی عصر عج
۳۱. هدف حکومت ولی فقیه: برپاسازی عدالت در تمام اکان حکومت
۳۲. هدف حکومت ولی فقیه: محقق سازی برادری و برابری در جامعه
۳۳. هدف حکومت ولی فقیه: اعتلا بخشیدن سطح معنویات و فضایل اخلاقی جامعه
۳۴. هدف حکومت ولی فقیه: ارتقای سطحی زندگی مادی و عمران و آبادی جامعه
۳۵. هدف حکومت ولی فقیه: رواج تعلیم و تربیت و فرهنگ اسلامی جامعه
۳۶. اداره و تدبیر جوامع انسانی: ۱. قوانین و مقررات ۲. حکومت
۳۷. امامان و قرآن باهم اند و جدایی ناپذیرند: قرآن مبنای قوانین، عترت نیز عامل اجرایی قوانین
۳۸. دلایل وجود حاکم اسلام (امام رضا علیه السلام): حاکم و مجری عهده دار اجرای قوانین الهی
۳۹. دلایل وجود حاکم اسلامی (امام رضا علیه السلام): نیازمندی تداوم زندگی اجتماعی به حاکم
۴۰. دلایل وجود حاکم اسلامی (امام رضا علیه السلام): حیات و موجودیت ملت، جنگ با دشمنان
۴۱. دلایل وجود حاکم اسلامی (امام رضا علیه السلام): تقسیم عادلانه اموال عمومی
۴۲. دلایل وجود حاکم اسلامی (امام رضا علیه السلام): اجرای عبادات اجتماعی
۴۳. دلایل وجود حاکم اسلامی (امام رضا علیه السلام): جلوگیری از بین رفتن دین و تغییر نکردن سنت الهی
۴۴. ویژگی ولی فقیه: ۱. آگاهی از قانون اسلام ۲. ایمان و اسلام ۳. کاردانی ۴. عدالت ۵. آراستگی به فضائل اخلاقی
۴۵. امام خمینی ره: حکومت اسلام، حکومت قانون: آگاهی از قانون اسلام
۴۶. امام خمینی: ضرورت داشتن عالم بودن تمام ائمه به قوانین

۴۷. امام علی علیه السلام: سزاوارترین مردم به حکومت: تواناتر و آگاه تر به اوامر الهی
۴۸. ویژگی ولی فقیه: ایمان و اسلام: خداوند هرگز برای زیان مومنان، برای کافران راه تسلطی قرار نداده است. نسا ۱۴۱
۴۹. ویژگی ولی فقیه: کاردانی: توانایی مدیریت جامعه برای فایق آمدن به مشکلات
۵۰. پیامبر اکرم: سه خصلت امام: ۱. تقوا (بازداری از نافرمانی خدا) ۲. بردباری و حلم (کنترل غضب) ۳. نیک حکومت کردن به زیر دستان مانند پدر
۵۱. کاردانی: نیک حکومت کردن، دارای بینش سیاسی باشد
۵۲. امام صادق علیه السلام: کسی که آگاه به اوضاع زمان خویش باشد، مورد هجوم امور ناگهانی و پیش بینی نشده واقع نمی شود.
۵۳. ویژگی ولی فقیه: عدالت: هرچیزی را در جایگاه و موضع خود قرار دادن
۵۴. عدالت: یکی از اهداف رسالت پیامبر
۵۵. امام علی علیه السلام: نشانه عدالت: آنچه برای خود نمی پسندی برای دیگران نپسندی
۵۶. ویژگی ولی فقیه: آراستگی به فضائل اخلاقی: امام علی علیه السلام: هر که خود را امام و پیشوای مردم سازد، باید پیش از دیگران به تعلیم خود بپردازد که پیش از آنکه به گفار تادیب نماید، به رفتار و کردار ادب نماید.
۵۷. دلایل ولایت فقیه: دلایل عقلی و نقلی
۵۸. چهار روش حکم شرعی: کتاب، سنت معصومین، اجماع و عقل
۵۹. دلیل عقلی ولایت فقیه: آگاهی به مسئولیت، توانایی انجام سئوایت، امانت داری در مسئولیت و ویژگی مسئول باشد باشد: بنابراین باید این مسئول کاردان در امور، عادل، برخوردار از اخلاق
۶۰. دلیل نقلی: ۱. توقیع امام زمان به محمد بن عثمان در رویدادها و حوادثی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنانم
۶۱. دلیل نقلی: پیامبر: خدایا جانشینان مرا رحمت کن: کسانی که بعد از من می آیند، حدیث و سنت مرا نقل می کنند و آن را پس از من به مردم می آموزند
۶۲. سه وظیفه مهمیامبر: تبلیغ و بیان احکام الهی، قضاوت و حل و فصل اختلافات، رهبری و تصدی حکومت
۶۳. امام حسین علیه السلام: جریان کارها و احکام الهی به دست علمای دین است که امین حلال و حرام خداوند می باشند
۶۴. منشا مشروعیت ولایت فقیه:
۶۵. مشروعیت: حقانیت و برحق بودن و یا دلیل مقبول و معتبر داشتن برجیزی
۶۶. مشروعیت پیامبر و امامان دوازده گانه: برگزیدگی از سوی خدا
۶۷. مشروعیت ولایت فقیه: براساس عقل و احادیث: فرد شایسته اجرای احکام ولی فقیه است
۶۸. نقش مردم: بدون پذیرش مردم، ولایت عینیت خارجی نمی یابد
۶۹. تحقق حکومت ولایت فقیه: دارای دو پایه: ۱. دینی و مکتبی (مورد رضایت خداست و برای ثبوت است) ۲. آرای عمومی و پذیرش مردم (مردم به آن راضی اند و برای استقرار نیاز است)

۷۰. نقش مردم در ولایت فقیه: آزادی مردم در انتخاب حاکمیت دینی و ولایت فقیه
۷۱. پذیرش اصل دین از سرباز اختیار و آگاهی است
۷۲. کسانی میتوانند بر جان و مال مردم تسلط داشته باشند که با اجازه آنها باشد
۷۳. انتخاب حاکمیت: دادن اختیار تصرف اموال و جان خود به دیگر
۷۴. حاکمیت ولایت فقیه
۷۵. حاکمیت انتصابی: نصب خاص (با اسم و مشخصات کامل معین به رهبری)
۷۶. حاکمیت انتصابی: نصب عام (صفات و ویژگی های رهبران را بیان نموده اند)
۷۷. حاکمیت ولایت فقیه: یک نوع انتصاب است: ویژگی های در قرآن آمده است
۷۸. حاکمیت ولایت فقیه: یک نوع انتخاب است: مردم باید انتخاب کنند
۷۹. حاکمیت ولایت فقیه: انتصابی (ثبوت)
۸۰. حاکمیت ولایت فقیه: انتخابی (استمرار و استمرار)
۸۱. حاکمیت وکالتی: گرفتن سمت از مردم
۸۲. حاکمیت وکالتی: معیار تصمیم: تشخیص مردم
۸۳. حاکمیت وکالتی: پیش از انتخاب فرد مشروعیت ندارد
۸۴. حاکمیت ولایتی: مشروعیت قبل از انتخاب وجود دارد
۸۵. حاکمیت ولایتی: معیار تصمیم: قانون الهی

مقدمه: دیرینه ترین آثاری که باستان شناسان به آن دست یافته اند، بر آن دلالت دارد که زندگی انسان پیوسته با دین و دینداری همراه بوده است، قرآن نیز بر آن دلالت دارد که در طول تاریخ بر حسب شرایط زمانی و مکانی مختلف و به تعبیری متناسب با استعداد امت ها، جلوه دین که همان اسلام به معنای تسلیم در برابر خدا است، به شکل شریعت های مختلف بروز یافته است.

اسلام به معجزه جاوید خود که همان قرآن است، دعوت به فطرت و خرد را اساس آیین خود دانسته است،

فصل اول: پیشینه دین و پیامبری

دین در لغت به معنای فرمانبری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا می باشد

دین در اصطلاح به معنای عقاید و قوانین نازل از سوی خداوند هدف هدایت و سعادت انسان ها که از طریق پیامبران بیان می شود

انواع دین

دین حق: دینی که در آن تحریف راه نیافته باشد

دین باطل: دینی که بخشی از آن تحریف شده باشد

دین از دید قرآن: به معنی اسلام آمده از قرآن، حقیقت دین تسلیم شدن در برابر خدا است

پیشینه دین در تاریخ: قدمت دین حق، خلقت حضرت آدم (ع) می باشد

تمام ادیان از آدم تا خلقت دارای اصول مشترک و قواعد اخلاقی و احکام عملی در همان راستا بوده اند که شامل توحید، معاد و نبوت می گردد

فطری بودن دین: اصول و احکام دینی با سرشت دینی سازگاری دارد، فطرت بکر انسان آن را می سازد

پیدایش و فرجام یهودیت:

یهودیت: عنوان دین حضرت موسی (ع): کتاب آسمانی، توران به زبان قوم عبرانی
عناوینی دیگر قوم یهود وجه تسمیه آنها: قوم بنی اسرائیل، قوم عبرانی یا عبرانیان
عبرانی: اسم منسوب عابر، جد حضرت ابراهیم (ع) است.

خلاصه از پیشینه پیدایش دین یهودیت:

در پی وقوع اتفاقات که فرمانروایی به حضرت یوسف (ع) منصوب گردید که با دوران قطعی در مصر و اطراف آن همراه بود. و باعث شد حضرت یعقوب و فرزندان به مصر مهاجرت کنند و ابطاس یا قبایل دوازده گانه منصوب به فرزندان حضرت یعقوب در مصر رشد و فزونی یافتند. و فراعنه نسبت به وجود قوم بنی اسرائیل احساس خطر کردند لذا فرعون دستور داد فرزندان پسر قوم بنی اسرائیل در هنگام تولد را به قتل برسانند و خداوند مقرر نمود تا حضرت موسی (ع) متولد شد و تقدیر خداوندی به گونه ای رقم خورد که این کودک در قصر فرعون و تحت دایگی مادر خود رشد یا به منجی بنی اسرائیل گردد، خداوند به موسی (ع) دو معجزه اعطا نمود (اژدها شد) عصا و ید بیضا در پی ایمان نیاوردن بعضی از مصریان وحی بر وی شد که شبانه به همراه یاران خویش از راه دریا از مصر خارج شود اما فرعونیان با تکیب آنها مانع خروج آنها شدند و در این هنگام خداوند به موسی (ع) وحی نمود عصا خویش را به آب دریا بزن و بدین ترتیب دریا شکافته و راهی هموار برای آنها پدیدار گردید و به سلامت از دریا عبور نمودند اما فرعونیان که قصد عبور از دریا را به همراه آنان داشتند امواج بر آنها مسلط شد و غرق شدند فرعون در حین غرق شدن اظهار ایمان کرد که وادی نداشت.

پیدایش اسرائیل و تاسیس دولت اسرائیل:

یهودیت تبلیغ ندارد زیرا یهودیان دین خود را نعمتی الهی می دانند که تنها از آن نژاد بنی اسرائیل است. البته برخی از یهودیان با صهیونیسم مخالف اند. صهیون نام تپه ای است در اورشلیم که در زمان شکوفایی دولت بنی اسرائیل در عصر داوود و سلیمان مرکز نظامی بوده است. صهیونیسم عنوان جنبشی است که در زمان شکوفایی یهودیان به فلسطین و ایجاد کشوری ویژه بنی اسرائیل در این سرزمین است که بنیانگذار آن فردی یهودی به نام تئودور هرتزل (۱۸۶۰-۱۹۰۴) در اواخر قرن نوزدهم گروه بزرگی از یهودیان از روسیه اخراج شدند گروهی از آنان در غرب اروپا ساکن شدند و عده ای به فلسطین رفتند دولت انگلستان در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه ای معروف به بالفور موافقت خود را مبنی بر تاسیس حکومت مستقل یهودی در منطقه فلسطین اعلام کرد.

پیدایش و فرجام مسیحیت:

عنوان دین حضرت عیسی (ع) و کتاب آسمانی: انجیل

حضرت عیسی که از زنی با تقوا و پاکدامن به نام مریم متولد شد که از معجزات آن حضرت تولد ایشان بدون داشتن پدر و سخن گفتن در گهواره در روزهای نخست تولد متولیان حرم پیرامون سرپرستی مریم اختلاف

داشتند تا در نهایت سرپرستی به زکریا واگذار شد و مریم روز به روز بزرگتر و بالغ تر شد ، روزی به امر خدا فرشته ای آسمانی به شکل یک مرد بر او ظاهر شد ومژده فرزندی را به او داد وبعد وقوع جریان بانوی فاضله به مکانی دور از شهر پناه برد. با حضور حضرت مریم (س) در شهر اعتراض ها به گوش رسید اما آن بانو به امر خدا معترضان را به کودک خود واگذار نمود و کلام وحی از زبان عیسی (ع) در شهر اعتراضی ها به گوش رسید اما آن بانو به امر خدا معترضان را به کودک خود واگذار نمود و کلام وحی از زبان عیسی (ع) جاری شد : قال انی عبدالله أتانى الكتاب و جعلنى بنیّا و جعلنى مبارکاً این ما کنت و أوصافى بالصّواہ و الزکوة مادمت حیا ، و برّاً بوالدتی و لم يجعلنى جباراً شقیّا و السلام على یوم ولدت و یوم الموت.

من بنده خدا هستم به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارشی کرده است برخی از معجزات حضرت عیسی (ع) زنده کردن پرنده گلی به اذن خدا شفای کور مادر زا ، خبر دادن از اخل خانه ها .

کتاب مقدس و بخش های تشکیل دهنده آن:

در اصطلاح : مجموعه ای از نوشته های کوچک و بزرگ که به اعتقاد یهودیان و مسیحیان کتاب آسمانی است . عنوان معروف این مجموعه در زبان انگلیسی و بیشتر زبان های اروپایی بابیل به معنای کتاب ها است.

در زبان فارسی و عربی عنوان عهدین نیز برای این کتاب به کار می رود که به اعتقاد مسیحیان به دو عهد پیمانی که خدا با انسان اشاره دارد : عهد قدیم که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است این عهد ابتدا با حضرت ابراهیم (ع) بسته شد و سپس در زمان حضرت موسی (ع) تجدید و تحکیم گردید.

با ظهور حضرت عیسی (ع) دوران عهد و پیمان مزبور پایان یافت خداوند عهدی دیگر را با انسان بست که این عهد جدید پیمان بر سر محبت خدا و عیسی (ع) است بنابراین مسیحیان به دو دوره عصر قائل اند : عهد قدیم و عهد جدید.

دیدگاه اهل کتاب نسبت به کتاب مقدس:

دیدگاه مسیحیان : آن از کتاب آسمانی خود می شمارند که شامل دو عهد و پیمان ست ، قدیم و جدید دیدگاه یهودیان : فقط بخشی از آن را به عنوان کتاب آسمانی می شمارند که همان عهد قدیم است ویژگی های عهد قدیم : حجم سه چهارم کتاب مقدس ، موضوعات ، تاریخ ، شریعت ، حکمت ، مناجات و شعر و ..

بخش های عهد قدیم : ۱ . شریعت موسی یا تورات ، ۲ . انبیا ، ۳ . مکتوبات می باشد .

ویژگی های عهد جدید : بخشی از کتاب مقدس که فقط مسیحیان آن را قبول دارند .

بخش های عهد جدید : زندگی نامه و سخنان حضرت عیسی (ع) ، تبلیغات و مسافرت های تبلیغی مبلغان مسیحی ، نامه ها ، روایا و مکاشفه

دیدگاه قرآن درباره کتاب مقدس:

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی است که تعریف در آن راه نیافته است از دین آن بشارت به ظهور اسلام به نام مبارک حضرت عوراست. از دلایل تحریف کتاب مقدس: نسبت دادن صفات ناپسند مانند شرابخواری، دروغگویی، شهوترانی و... به پیامبران است. ولی قرآن این صفات زشت را از پیامبران منزه دانسته است و پیامبران را مربیان انسان ها می داند. اهل دین گریزی به دین گریزی در جامعه مسیحیت: سهولت آموزش گناه از طریق معامله با باب (فروش آموزش نامه) تاثیر مسیحیت و عوامل رویگردانی مردم از دین: غیر عقلانی بودن آموزه های مسیحیت: ناسازگار نشان دادن سمیمیت با دانش غربی، خشونت و تفتیش عقاید، فساد مالی و اخلاقی حاکمان کلیسا، الگو گیری مردم از دنیا طلبی و ثروت اندوزی کلیسا

تاثیر مسیحیت بر جامعه غربی در مقایسه با تاثیر اسلام بر پیرایش تمدن اسلامی:

1. تاثیر مسیحیت بر جامعه غ ب
 2. تاثیر اسلام در پیشرفت تمدن اسلامی
- برخی عرصه هایی مسلمان در آن پیشرفت در خور توجهی داشتند: صنعت کاغذ، قلمرو شیمی، با جابرن بن حیان پدر علم شیمی، قلمرو صنعت، قلمرو ریاضیات، خوارزمی و کتاب جبر و مقابله، قلمرو پزشکی: محمد رازی و ابن سینا
- ابعاد عدالت در تعالیم اسلامی: عدالت در داوری، مقام قضاوت همگان در مقابل حکم خدا یکسان است. عدالت در برابر قانون: همگان ملتزم، اجرا و قاضی حتی در گفتار نایب بین حاکم اسلامی و فرد عادی تفاوت قائل شود.
- عدالت در حوزه اقتصاد: در راستای توزیع عادلانه ثروت بین اقشار گوناگون جامعه است.
- عدالت در امور معنوی: اسلام از ترک دنیا و دنیا طلبی نهی فرموده و خداوند فرموده: واتبع فیها آتاک الله الدار الاخره و لاتنس یضییک.

تاثیر اسلام در پیشرفت تمدن اسلامی:

1. تشویق اسلامی به فراگیری علم، ۲. بسط عدالت، ۳. مدارا و همزیستی مسالمت آمیز.
- بر اساس قوانین اسلام: اهل کتاب می توانند آزادانه و در عبادتگاه های خود به انجام مراسم مذهبی بپردازند. از ویژگی های انجیل: مژده آمدن پیامبر اسلام داده شده است.

فصل دوم: اهداف، ابعاد و قلمرو دین

از اصول مشترک میان ادیان آسمانی نبوت است بدین معنا که خداوند از خلقت نظام هستی هدفی معین دارد. عناصر محوری در نبوت پیام آور پیامبران الهی، پیام الهی (وحی)

فهم توحید و نبوت بر امام شناسی استوار است .

نبوت تحت دو عنوان کلی :

، نبوت عامه : مربوط به همه انبیا می شود مثل وحی و معجزه

نبوت خاصه : فقط مربوط به یکی پیامبران بطور خاص (مثل پیامبر اکرم (ص))

ضرورت نبوت : خداوند حکم پیامبران را به منظور هدایت انسان ها به سوی سعادت و کمال ارسال نمود.

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخْجَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ

مردم ، امتی یگانه بودند ، پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده برانگیخت ، و با آنان کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند .

اهداف بعثت : انبیاء مهم ترین هدف انبیاء نشان دادن راه هدایت و تکامل به انسان هاست .

مهم ترین هدف انبیاء : یاد آوری فطریات ، خداوند در آیاتی قرآن را یادآوری و پیامبر مذكر (یادآوری کننده) معرفی می کند.

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ، پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای .

آزاد کردن انسان از قید بندهای نادرست سنت ها و ارزش های ناروا و پوشالی است .

دعوت به توحید : مهم ترین هدف انبیاء زدودن شرکت و دعوت به توحید نظری و عملی در تمامی ابعاد است.

بر پایی قسط و عدالت در جامعه بشری از جلوه های متن گسترش عدالت در همه ابعاد فردی و اجتماعی است و آیه مربوطه : لَقَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ .

به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرو آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند .

آشنا کردن مردم با حکمت تعالیم الهی و تزکیه و تطهیر :

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ .

از خداوند پروا کنید و فرمانم ببرید ، فرمان افراطگران را پیرونی مکنید ، آنان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند .

پیامبران مردم را با تعالیم و آیات الهی آشنا سازند .

بشارت و انذار : از ابزارهای پیامبران برای هدایت تبشیر (مژده دادن به پاداش و انذار بیم از عذاب .

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا .

پیامبرانی که بشارتگر و هشدار دهنده بودند تا برای مردم پس از فرستادن پیامبران ، در مقابل خدا حجتی نباشد ، و خدا توانا و حکیم است .

علاج امراض روحی به همین دلیل خدا قرآن را شفا بخش نامید .

به کمال رساندن فضایل اخلاقی : پیامبر فرمود : انما بعثت لا تمم مکارم الاخلاق : من برای تکمیل کرامت های

اخلاقی مبعوث شوم .

معنای وحی :

در لغت هر نوع آگاهی بخشی و تفهیم سری و پنهانی
در اصطلاح : آگاهی خاص پیامبران توسط خداوند متعال که حقیقت آن برما مجهول است .
کاربرد وحی در قرآن : وحی : آسمان ، وحی : مادر موسی

انواع وحی :

- 1 دریافت حقایق در عالم رویا مانند : دستور ذبح اسماعیل به حضرت ابراهیم .
 - 2 نزول حقایق به روح و قلب پیامبران
 - 3 وحی از طریق ایجاد صوت
 - 4 وحی از طریق فرشته که به صوتی خاص ظاهر می شود .
- وَمَا كَانَ لِنَبِّئٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا وَ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ .
- و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی یا فرستاده ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید . آری ، اوست .

معنای معجزه :

در لغت : عجز : ضعف و ناتوانی ، در اصطلاح : عملی خارق العاده
وجه تسهیر معجزه : پیامبران برای معجزه خود مبارزی طلبند .
ویژگی های معجزه :

- 1 عملی خارق العاده مطابق قوانین عادی و معمول طبیعت
- 2 همراه با دو چیز ادعای نبوت ، دعوت به مقابله یا تحدی
- 3 عمل مورد ادعا با آن چه معجزه صورت پذیرفته است .
- 4 صرف دعوت به مقابله کفایت نمی کند .

عصمت انبیاء :

در لغت : منع کردن ، باز داشتن ، نگهداری و ...
در اصطلاح : مصونیتی خاص یا ملکه ای نفسانی برای جلوگیری از خط و اشتباه پیامبران را حفظ می کند .

اقسام عصمت :

- 1 انبیاء در مقام دریافت ، حفظ و ابلاغ وحی (وحی) : مورد پذیرش همه متکلمان اسلامی
- 2 عصمت از معصیت و گناه : پیامبران ضروری است در مقام عمل به احکام شریعت خود پیشگام باشند .

3. در امور فردی و اجتماعی با هدف سازگار نیست پس پیامبران از خط و اشتباه و سهو مصون و محفوظ می باشند .

عامل و منشأ عصمت : آگاهی و شناخت پیامبران نسبت به خداوند و مقام و صفات به گونه ای که این شناخت موجب می شود آگاهی و شناخت پیامبران نسبت به آثار و اطاعت و عدم اطاعت پروردگار .
عصمت و اختیار : پیامبران با اختیار خود از گناه دست می کشند و عصمت آنها جبری نیست .

نقش دین در زندگی دنیایی :

دین تنها ناظر بر سعادت فردی و اخروی انسان ایست .

دین در پی سعادت دنیوی و اخروی انسان است .

1. جامعیت و کمال دین : دین اسلام در تمام ابعاد در توجه دارد و برای انسان و جامعه بشری راه گشاست .

الیوم اکملت لکم دینکم : دین شما را برایتان کامل گردانیدم .

2. سکولاریسم : اصل واژه : غربی بیانگر نوعی دیدگاه پیرامون انسان و جامعه و جهان است .

معادل فارسی : دنیا مداری ، دنیا محوری ، دین گریزی ، دین جدایی

زمینه ها و عوامل پیدایش سکولاریسم : متن مقدس ، منابع اولیه دینی ، رفتار و برخورد نادرست متولیان کلیسا .

مبانی سکولاریسم : به ابزار مادر یعنی علم و عقل متکی است و این اندیشه علم گرایی و عقل گرایی می باشند .

علم گرایی :

معادل لاتین Scientism

در اصطلاح : محوریت علوم تجربی و روش تجربی در همه ابعاد زندگی

عقل گرایی : در اصطلاح مبنا قرار دادن عقل مادی گرایان در همه ابعاد و عقاید و بدون بهره گیری از اصول دینی .

عوامل موثر در پیدایش تفکر عقل گرایی : آموزه های مسیحیت ، تعبیر متفکران بزرگ مسیحی ، برخورد نادرست کلیسا و متفکران و ...

دیدگاه اسلام در باب سکولاریسم : اجرای کامل احکام اسلامی جز با تشکیل حکومت محقق نمی شود .

لیبرالیسم : ریشه لغت « آزادی خواه ، فردی که به آزادی و قدرت انتخاب انسان ها معتقد است ، آزادی خواهی و آزادی منشی .

زمینه های شکل گیری لیبرالیسم : ریشه پیدایش این تفکر در اندیشمندان دوران باستان مانند سقراط

ریشه پیدایش این تفکر در دوران رنسانس و غرب صنعتی

مبانی و ارزش های لیبرالیسم : دارای اصول مشترک :

فرد گرایی : برتری و ترجیح منافع و استقلال و هویت و ...

آزادی : ریشه در فرد گرایی دارد .

عقل گرایی : از دیدگاه لیبرالیسم عقل جایگاه ممتازی دارد .

عدالت و برابری : برخورد داری همه انسان ها از حقوق و احترام یکسان

حقوق انسان ها:

آزادی از دید لیبرال ها : آزادی به معنا رها شدن فرد به حال خود تا فارغ از مداخله دیگران به دلخواه خویش

عمل کند : که جنبه منفی دارد .

حکومتی که لیبرالیسم بدان معتقد است از نوع : حکومت سکولار و بر اساس مبنا عقل گرایی پذیرفته است .

گوهر مشترک دین و راز تعدد شریعت ها:

گوهر مشترک دین : به معنای تسلیم شدن در برابر خداست

راز تعدد شرایع : شرایع متعدد و هر شریعتی ناسخ برخی احکام شریعت قبل از خود است .

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا : برای هر یک شریعت و راه روشنی قرار داده ایم .

راز جاودانگی و حقانیت شریعت اسلام:

تنها شریعتی که فسخ نشده و نخواهد شد و احکام و قوانین آن جاودانه ی باشند دین مبین اسلام است .

دلیل جاودانگی قوانین اسلام : ثابت بودن آنها در تما اعصار

پیامبر می فرماید :

حدیث نبوی:

حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه

حلال محمد تا روز قیامت حلال و حرام محمد تا روز قیامت حرام است

رمز بقای دین اسلام : ثابت و پا بر جا بودن قوانین اسلام .

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الْبَاقِ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ .

پس روی خود را با گرایش تمام به حقّ به سوی این دین کنید ، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است .

آفرینش خدای تغییر پذیر نیست . این است همان دین پایدار ، ولی بیشتر مردم نمی دانند .

گرایش انسان به دین مقتضای فطرت آدمی است و این فطرت نیز تغییر پذیر نیست .

ابزارهای عالمان دین اسلام:

1. حجیت و حکم عقل ، 2. قاعده اهم و مهم ، 3. گشوده بودن باب اجتهاد ، 4. پیروی از قواعد حاکمه فقهی

از قواعد حاکمه فقهی : نفی حرج

1. حجیت و حکم عقل : اسلام با اعتبار به احکام صحیح عقلی توانسته حکم برخی از مسائل را تعیین نماید .
 2. قاعده اهم و مهم : عالمان اسلامی در برخی موارد باید مصالح و مفاسد را با هم بسنجند .
 3. گشوده بودن باب اجتهاد : از امتیازات و افتخارات مذهب تشیع .
 4. پیروی از قواعد حاکم فقهی : شریعت اسلام یک سلسله قواعدی تطبیق در نفی حرج و نفی ضرر است .
- کثرت گرایی دینی و گوهر مشترک : تبیین توجیه تکثیر و تنوع ادیان یکی از مسائل مهم در عرصه فلسفه دین و دین پژوهی است .

دیدگاه هایی درباره کثرت ادیان :

1. انحصار گرایی : تنها یک دین حقانیت دارد .
- اسلامی در اثبات حقانیت خود به عنوان کامل ترین دین قرآن آیه ۱۳۷ بقره را عنوان نمود .
- فَأَن أَمْنُوا بِمِثْلِ مَا أَمْنْتُمْ بِهِ فَقَدْ أَهْتَدُوا : پس اگر آنان به آنچه شما بدان ایمان آورده اید ایمان آوردند قطعاً هدایت شده اند . قرآن برای انتخاب دین بد ر چه راه کاری ارائه کرد : مقایسه دلایل مذاهب و گزینش دین متکلم تر .
2. مشمول گرایی : خواستگاه این نگرش جهان مسیحیت است .
- تعبیر کارل راند : غیر مسیحیان می توانند حتی بدون آگاهی خود مسیحیان گمنام نامیده می شود .
- مشمول گرایی : گسترده ترین دیدگاه پذیرفته شده در میان متکلمان مسیحی و رهبران کلیسا است .
3. کثرت گرایی : همه مذاهب هم زمان از حقانیت و نجات بخشی یکسان برخوردارند .
- کثرت گرایی : پیروان همه مذاهب را اهل نجات می داند و تفاوتی بین مذاهب مختلف قائل نیست .

رابطه علم و دین :

علم : همه ایمان ابراهیمی و آسمانی یعنی یهودیت و مسیحیت و اسلام است .

تعالیمی خداوند به واسطه پیامبران برای هدایت بشر نازل کرده : عالم ما ورا و غیب ، حوزه اخلاق تکالیف فردی و اجتماعی

ویژگی های علوم تجربی :

1. روش بدست آوردن در آن روش تجربی یعنی مشاهده و آزمایش است .
2. مفاهیم و قوانین علمی از نظر آنان باز نمود جهان عینی است .
3. ممکن است در آینده با آزمایش های دیگر و با پیشرفت علم قوانین نسخ و بی اعتبار گردد .

دیدگاه اسلام درباره علوم تجربی :

خداوند در قرآن بر تعقل و تفکر تاکید بسیاری نموده است .

بدترین جانوران نزد خداوند کسانی هستند که کر و لال اند و به هیچ رو تعقل نمی کنند .

امام کاظم در باب اسلام و علوم تجربی می فرماید:

خداوند بر مردم دو حجت دارد

حجت آشکار: رسولان، انبیاء و امامان

حجت باطنی: عقول مردم

انواع رابطه علم و دین:

1. علم و دین در شیوه بیان واقعیت

این دیدگاه علم و دین را کاملاً سازگار یا یکدیگر و بیانگر حقیقت به دو زبان و بیان می داند و اختلاف بین آنها سطحی و قابل حس است.

نمونه متحرک بدون زمین در قرآن: زدن آن به گهواره و در میان دانشمندانی مثل کپرنیک و کپلر با روش تجربی و دیدگاه گالیله است.

2. علم تایید کننده دین

این دیدگاه که به دیدگاه نخست شایسته است علم را تقویت کننده و هوید دین می داند که با کشف قوانین طبیعت انسان به حقایق عالم هستی و حکمت و قدرت و علم الهی آگاهی و یقین می یابد.

بر پایه این دیدگاه نظریات علمی پشتیبان آموزه های دینی هستند هر چه علم اسرار و قوانین طبیعت را بیشتر کشف کند.

3. علم و دین مکمل یکدیگر

برای شناخت کامل حقایق لازم علم و دین در کنار یکدیگر قرار میگیرند از طرفداران این دیدگاه شهید مطهری: علم و ایمان مکمل و متمم یکدیگرند نه متضاد با هم. علم نیمی از ما و دین نیم دیگر ما را می سازد.

4. ناسازگاری علم و دین

بین علم و دین تعارض و ناسازگاری قائل است و نمی توان هر دو نظر را پذیرفت.

بعد از طرح نظریه تکامل، در جهان مسیحیت چند دیدگاه مطرح شد:

- حجیت معنای ظاهری کتاب مقدس و کفر دانستن هر نوع اکتشاف علمی ناسازگار با آن

- قابلیت جمع کتاب مقدس با نظریه تکامل

- عدم واقع نمایی نظریات علمی و ابزار ریاضی صرف یا افسانه بودن آنها برای محاسبه

- حق دانستن علم و رد کردن نظریه دین

5. جدایی کامل حوزه علم از دین

موضوع و روش فعالیت علم و دین را کاملاً متفاوت می داند.

فصل سوم: شناخت اسلام

تعریف اسلام:

در لغت : تسلیم شدن ، گردن نهادن
در قرآن کریم : یعنی که مردم را به تسلیم شدن انسان در برابر احکام الهی دعوت می کند و این نامگذاری توسط حضرت ابراهیم (ع) انجام گرفت .
در اصطلاح : آخرین و کامل ترین شریعت نازل شده از سوی خدا برای هدایت انسان که تا ابد جاودانه است .
قرآن و سنت:
قرآن : آخرین کتاب آسمانی و معجزه پیامبر گرامی است و این کتاب از آن جهت جاوید است که خداوند حفظ و مصونیت آن را از تحریف خود به عهده گرفت و ضمانت می نماید .
زبان خطاب قرآن : زبان تعاریف عقلایی است .

ابعاد اعجاز قرآن :

- فصاحت و بلاغت : ساختار عبارات آن به شیواترین و رسا ترین وجه است و خداوند برای ابلاغ پیام شیوا ترین و زیبا ترین الفاظ ترکیب و به کار گرفته است . اعجاز قرآن موجب شد کافران مردم را از شنیدن قرآن باز دارند و هنگام تلاوت هیایو می کردند .
- اعجاز قرآن از نظر معارف الهی : با گذر زمان و روشن شدن فلسفه و حکمت بسیاری از احکام و تعالیم قرآنی : قوانین حقوقی و جزایی ، فردی ، اجتماعی ، مناسک عبادی ، دستورات اخلاقی و نکات تاریخی واکنش مردم در مقابل آیه شریفه ۴۸ عنکبوت : و کانت تتلوا من قبله من کتاب و لا تخطه بيمينک : فقط سکوت کردن
- اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا : ی شک هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا خود دلیل دیگری بر اعجاز قرآن .
درباره حالات روحی انسان مانند شادی و نشاط و غم و رنج و هیجان تاثیر می نهد .
- اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش
حقایق علمی در این کتاب وحی الهی است زیرا آورنده فردی بی سواد است .
در عصر نزول کشف شده بود . قرآن کتاب علمی و بیانگر همه قوانین نیست .

از مصادیق اعجاز علمی قرآن:

حرکت زمین : وتری الجبال تحسبها جاهده وهی تهرمه السحاب : و کوه را می بینی و می پنداری که آن ها بی حرکت اند و حال آنکه آنها ابر آسا در حرکت اند .
تلقیح نباتات : و ارسلنا الريح لواقع و بادها را بارور کننده فرستادیم .
جاذبه عمومی : از مهم ترین قوانین است که اجسام به یکدیگر نیرو وارد می نمایند و با افزایش فاصله دو جسم ، جاذبه بین آنها کاهش می یابد .

اعجاز قرآن از نظر خبرهای غیبی:

تفاوت پیش گویی های قرآن با سخنان پیشگویان : پیشگویی های قرآن قطعی ، همراه با جزئیات و همراه با ادعای نبوت است .

برخی از خبرهای غیبی قرآن:

-ناتوانی انسان ها از معاوضه با قرآن : قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی أن یأتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله : بگو اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند مانند آن را نخواهند آورد .
-پیروزی رو میان پس از قدی کوتاه : بعد از پیروزی سپاه ایران بر رومیان مشرکان شادمانی کردند و پنداشتند که آنان به مسلمانان پیروز خواهند شد ، در کمتر از ده سال پیش بینی قرآن به وقوع پیوست و به دنبال آن پیروزی مسلمانان بر شرکان در جنگ پدر اتفاق افتاد .
-پیروزی پیامبر بر مشرکان در سال سوم بعثت به دنبال طعنه ها و بد گویی های مردم مکه نسبت به پیامبر آیه شریفه ۹۶ تا ۴ سوره حجر نازل شد : پس آنچه را بدان ماموری آشکار کن و از مشرکان روی بر تاب که ، ریشخند گران را از تو بر طرف خواهیم کرد .

خبر بازگشت پیامبر به مکه:

پیامبر مکه را به قصد مدینه ترک کرد در راه در فکر برگشت به مکه بود آیا بر خواهد گشت یا خیر که این هنگام آیه ای نازل شد :
إِنَّ الَّذِیْ قَرَضَ عَلَیْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ ، در حقیقت ، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد ، یقیناً تو را به سوی وعده گاه باز می گرداند .
مصونیت قرآن از تحریف : بی گمان کتاب آسمانی نظیر تورات و انجیل تحریف شده اند ولی قرآن از هر گونه تحریف در امان مانده است زیرا هیچ کس نظیرش را نتوانست بیاورد .

دلایل تحریف ناپذیری قرآن:

1. اجماع مسلمانان بر عدم تعریف قرآن و شهادت تاریخ بر اهتمام مسلمانان مبنی بر وجود حافظان و کاتبان و قاریان متعدد در جامعه اسلامی .
2. وعده الهی از اهل بیت مبنی تحریف قرآن وجود ندارد .

سنت:

خداوند مسئولیت تبیین را بر عهده پیامبر اکرم (ص) و بعد از ایشان به عهده امامان نهادند . به مطلبی که پیامبر و امامان معصوم در تبیین آیات الهی بیان می کنند در اصطلاح گفتار می گویند.

تعریف سنت:

روش ، طریقه سنت در قرآن و روایات به کار رفته می توان آیه شریفه ۴۳ فاطر : هرگز برای سنت خدا تبدیلی نمی یابی و هرگز سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت .

و در روایتی پیامبر (ص) می فرماید : نکاح و ازدواج سنت من است و هر کس از سنت روی بر گرداند از من نیست .

در اصطلاح : سخن و عمل و تقریر معصوم که در اصطلاح شیعه شامل پیامبر و ائمه می شود .

حجیت سنت :

در نزد شیعه اعتقاد به معصونیت پیامبر و ائمه است .

ریشه سنت امامان معصوم (ع) را در سنت نبوی باید جست .

دلایل نقلی حجیت سنت :

-آیه شریفه ۴۴ نحل ، و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس : این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه نازل شده توضیح دهی .

-آیه شریفه : یا ایها الذین آمنوا أطيعوا الله و أطيعوا الرسول : ای کسانی ایمان آورده اید خدا را اطاعت کنید .
-آیه شریفه ۷ حشر : و ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه : و آنچه را فرستاده او به شما داد آنچه را باز داشت ، باز ایستید .

-حدیث ثقلین : پیامبر فرمود : من دو چیز گران بها ینی کتاب خدا و اهل بیت و عترتم را در میان شما می گزارم .

-حدیث سفینه : پیامبر فرمود : آگاه باشید که اهل بیت من در میان متم مانند کشتی نج است و هر کس سوار شد نجات یابد .

عقل و جایگاه آن در شناخت دین :

جایگاه عقل : در لغت منع و باز داشتن .

جایگاه عقل : ابزار باز دارنده حیران از بیراهه رفتن مانند افسار و قوه باز دارنده انسان از بیراهه رفتن عقل گفته می شود .

تقسیمات عقل :

نظری : مربوطه به درک اموری است که در عمل تاثیر ندارد یعنی هست ها و بودها
عملی : مربوط به درک اموری که در عمل تاثیر مستقیم دارد یعنی باید ها و نبایدها

حجیت عقل :

همه امور حجیت خود را به واسطه دلایل عقلی می گیرند .

-دیدگاه اشاعره : حسن و قبح افعال را طبق حکم شارع باید تعیین نمود
-دیدگاه شیعه : عقل می تواند حسن و قبح افعال درک کن چون این ویژگی ها به صورت ذاتی است .

رابطه عقل و دین :

از مسائل مهم در حوزه دین پژوهی است . که به دو دیدگاه اصلی تقسیم می شود : ۱ . ایمان گرایی ، ۲ . عقل گرایی

ایمان گرایی : ساحت دین قلمرویی می داند که فعالیت عقلانی در آن کارآمد نیست .

عقل گرایی : آموزه های دین با اصول عقلی مطابقت دارد .

خداوند انسان را به تفکر و تدبر دعوت و سفارش می نماید:

1. انا أنزلناه قرآناً عربياً لعلكم تعقلون

2. إن شر الدواب عند الله الصم البكم الذين لا يعقلون

سخن امام صادق (ع) درباره حجت رونی و باطنی می فرماید :

هر کس عاقل است دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می رود .

اختلاف های فرقه های اسلامی در اصل حجیت عقل نیست بلکه محدوده کارایی آن است مثال :

-اهل حث تعقل در فروع دین را حرام می دانند اما اصول دین خویش را پذیرفته اند .

-اهل شیعه در پذیرش اصول دین و همه در فروع آن و استنباط احکام عقل را موثر می شمارند .

وجه تمایز اسلام و مسیحیت پیرامون رابطه عقل و دین :

مسیحیت تعقل را ممنوع دانسته و تاکید می کند ایمان بیاورد ، ما بفهمند و بسیاری از اصول آن مانند : الوهیت

عیسی ، تثلیث ، تجسد مسیح ، گناه ذاتی انسان

خاتمیت :

از ضروریات دین اسلام از ریشه ختم به معنی پایان دادن و مورد تصریح قرآن در روایات می باشد و بدین معنا

که پیامبر اسلام آخرین پیامبر و پایان دهنده سلسله پیامبران است .

خاتمیت در قرآن :

آیه شریفه ۴۰ احزاب : ما کان مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَکِنْ رَسُولُ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِیِّیْنَ : محمد پدر هیچ یک

از مردان شما نیست ، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است .

امام باقر (ع) در تفسیر آیه و ما کان مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ می فرماید :

خاتم النبیین یعنی لا نبی بعد محمد ، خاتم انبیاء به این معناست که هیچ نبی بعد از حضرت محمد نیست .

تفاوت نبی و رسول :

نبی : کسی است که از جهان غیب خبر دهد چه مامور به ابلاغ وحی باشد یا نباشد .
اصول : کسی است که علاوه بر خبر از غیب یکی از شرایط سه گانه را داشته باشد : مامور به وحی باشد ، دارای شریعت جدید باشد ، دارای کتاب آسمانی باشد .
خداوند دین پیامبر اسلام را دین کامل معرفی کرده و از آنجا که دین به کمال خویش نایل شده دیگر از وی به تداوم وحی نیست:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا.
امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم ، و اسلام را برای شما آیینی برگزیدم .
خاتم در آیه شریفه ما کان محمداً با احد من رحابکم و لکن رسول الله پایان بخش
طبق کدام آیه رسالت پیامبر جهانی و همگانی است : قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً .

خاتمیت در روایات اسلامی:

-حدیث منزلت : سخن پیامبر (ص) با امام علی (ع) در هنگام حرکت برای جنگ تبوک ایشان در مدینه جانشین خود کرد .
-روایت نبوی : من همانند مردی هستم که خانه ای بنا کرده ، آن کامل زیبا ساخته و فقط جای یک خشت در آن خالی است و هر که به منزل می آید جای خالی آن را می پرسد و پیامبر فرمودند : من جای آن آجر خالی ام و پیامبران به وسیله من ختم شده اند .
-روایت امیر المؤمنین : بعث الله سبحانه محمداً لإِجْازِ عِثَةِ و إِتْمَامِ نَبُوءَةِ : خداوند سبحان محم (ص) را برای دفای عهد خود و اتمام و اکمال نبوتش مبعوث ساخت

شبّهات دوباره خاتمیت:

1. خاتمیت ، پایان حاکمیت دوره غریزه
اقبال لاهوری : وحی مربوط به دوران مدیریت زندگی انسان به وسیله غریزه است ولی با پیشرفت انسان ، تفکر و تعقل جای غریزه را گرفت لذا خاتمیت یعنی دوران پایان دوران غریزه و هدایت بر اساس وحی و شروع دوره هایت عقل .

2. خاتمیت ، پایان دوران ولایت شخصی

در این دیدگاه تفسیر دیگری از اقبال لاهوری است بدین صورت :
پیامبر ولایت شخصی و بدون استدلال بر مردم داشت و اوامر ایشان از موضوع بالا و صرف پیامبر بودن اجرا می شد اما با ختم رسالت دوره پذیرش بدون دلیل عقلی به پایان می رسد .
دیدگاه قرآن درباره خطابات پیامبر : آن را برهان و نور می داند که هم خودش روشن است و هم روشنی بخش است.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا : ای مردم ، در حقیقت برای شما از جانب

پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم .

3. ناسازگاری خاتمیت و دارای با مرجعیت علمی امامان معصوم

اگر امامان معصوم و دارای مرجعیت علمی بدانیم لازمه اش این که ایشان به منبع وحی متصل باشند در حالی که این با خاتمیت سازگاری ندارد . بر اساس دلایل فراوانی می توان عصمت و حجیت را اثبات نمود : قرآن می فرماید این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی . در حدیث ثقلین پیامبر که از احادیث متواتر اسلامی است روایت اهل بیت و قرآن هم تراز هستند . بنا به ادله فراوان می توان عصمت و حجیت ائمه را اثبات نمود . مسلمانان بر مرجعیت و وثاقت قرآن و سنت قطعی پیامبر اجماع دارند .

روش فهم دین :

فهم پذیری دین : دین به یژه دین اسلام آخرین و کاملترین دین آسمانی است شامل مجموعه تعالیم نازل شده از سوی خداوند است .

قرآن خود را نور آشکار ، کتاب روشن ، هدایتگر مردم ، تبیین گر معرفی می کند . سرزنش افرادی که در آیات تدبر نمی کنند و از آن رویگردانند .

روشمند بودن فهم دین :

قرآن برای هم قابل فهم است اما برای هر کس مطابق با توانمندی و استعداد وی مهم ترین ابزار تفسیر صحیح و فهم درست : آگاهی از قواعد ربی : آگاهی از معانی الفاظ قرآن ، تفسیر قرآن به قرآن ، مراجعه به احادیث صحیح ، توجه به شان قرآن ، آگاهی از نزول قرآن و تاریخ محیطی قرآن تکامل پذیری فهم دین بر اساس معرفت های بشری از جمله معرفت دینی در حال دگرگونی بسیاری از معرفت ها و احکام دینی که از ظهور اسلام تا کنون ثابت مانده روزه گرفتن ، حج ، روزه ، خمس ، زکات و ...

فصل چهارم امامت و ولایت

امام :

به معنای پیشوا و رهبر از ریشه آم به معنای قصد کردن و توجه نمودن است وجه تسمیه امام به معنی پیشوا و رهبر : زیرا مردم با قصد و توجه خاص سراغ امام می روند .

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ ، یاد کن روزی را که هر گروهی را با پیشوایان فرا می خوانیم .

بر اساس دیدگاه علمای اهل سنت پیرامون امامت از مختصات دیدگاه شیعه نصب از طریق فرمان خدا ویژگی امام به اساس نظر متکلمان شیعه : ۱ . از جانب خداوند ، ۲ . دارای مقام عصمت ، ۳ . نسبت به امور دینی علم لدنی و وسیع و گسترده داشته باشد .

ویژگی امام از نظر متکلمان اهل سنت : اینان امامت را منجی عادت و غیر الهی می دانند که با انتخاب مردم به ویژه مهاجر و انصار و یا علمای اهل حل و عقد به فردی واگذار می شود .

تاریخ پیدایش اختلاف در مسئله امامت :

اختلاف در امامت جانشینی رسول خدا بعد از رحلت ایشان در سقیفه به اوج خود می رسد و میان عالمان و دانشمندان و مردم مورد توجه گسترده قرار گرفت ولی در زمان خود پیامبر هم نیز مطرح بوده است .
-شواهد تاریخی نشان دهنده گروهی مانند اخنس بن شوق ، فرمانروایی یمامه اسلام آوردن خود را مشروط به واگذاری جانشینی پیامبر به خود کرده بود .
-مصادق دیگر زمان هایی پیامبر (ص) مدینه را به دلیل سفر یا جنگ ترک می نمود . شیعه معتقد است پیامبر در زمان حیات بارها و بارها جانشین خویش را معرفی و تاکید نموده است .

دستاوردهای بحث در باب امامت

اهل سنت : زنان بحث پیرامون امامت را منحصر به زمان پیامبر دانست و طرح آن را در این زنان بیهوده می دانند .
اهل تشیع : نظر به جاودانگی دین اسلام و قوانین آن ، موضوع امامت را موضوعی به پایان رسیده تلقی نمی کند .
ویژگی های مجری : این احکام یعنی امام و پیشوای جامعه اسلامی نیز جاودانه است .
ابعاد امامت از دیدگاه شیعه : امامت از دیدگاه شیعه موضوع تبیین و تشریح اصول و معارف و بیان احکام و فروع دین و داوری میان اندیشه های مختلفی است که میان مسلمانان دید می آید .
مبحث امامت با هماهنگی و وحدت جامعه اسلامی منافاتی ندارد و بیشتر به مشترکات توجه و مسائل اجتماعی نیز در ساحتی علمی و دوستانه به دور از تعصب و پیش داوری مطرح .
هدف از تقریب بین مذاهب اسلامی ، به هم نزدیک شدن اندیشه ها ، تحمل یکدیگر ، تاکید بر نقاط مشترک و وحدت و انسجام امت اسلامی در برابر متکبران و دین ستیزان است .

شیخ الازهر و شیخ شلتوت در پیروی مذهب شیعه :

مذهب جعفری مشهور به مذهب شیعه امامیه اثنا عشری از جمله مذاهبی است که همانند سایر مذاهب اهل سنت شرعاً می توان از آن تقلید کرد .

نیاز به وجود امام :

اهم وظایف پیامبر اسلام (ص) شامل سه موضوع : ۱. دریافت ابلاغ وحی ، ۲. تبیین وحی ، ۳. رهبری جامعه اسلامی

نصب امامان بعد از پیامبر بر اساس:

1. پیامبر در طول ۲۳ سال نبوتش فرصت نیافت تمام تفصیل و جزئیات احکام الهی را بیان نماید .
 2. پس از پیامبر فرقه های مختلفی نظیر : معتزله ، خوارج ، مرجئه ، اشاعره و شیعه به وجود آمد .
 3. برخی یهودیان و شیعیان مسلمان نما مانند کعب الاحبا ، ریا و هب بن منبه به خاطر عدواتی که با اسلام داشتند، اسرائیلیات و مسیحیات را به تاریخ اسلام وارد کردند .
- مسلمانان سست ایمان مانند سمره بن جندب که طمع ثروت و مقام و تحریک عوامل حکومتی و انگیزه های دیگر به جعل پرداختند .
- تغییر شأن نزول آیه مربوط به فداکاری حضرت علی (ع) در لیلہ المبیت
- تغییر شأن نزول آیه ای در مذمت منافقان
- هشام بن حکم متکلم بزرگ و شاگرد برجسته امام صادق (ع) : در دو مناظره وجود امام را پس از رحلت پیامبر ضروری می داند .
- پیامبر (ص) در هنگام رحلت تجهیز سپاه بزرگ جنگ آنها تهدید و متخلفان از آن را نفرین نمود . اپراتور روم .

ادله نصب و عصمت امامان:

دلایل قرآنی : آیه انذار :

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ، وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ . فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بِرِيءٍ مِمَّا تَعْمَلُونَ .

و خویشان نزدیک را هشدار ده و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده اند ، بال خود را فرو گستر ، و اگر تو را نافرمانی کردند ، بگو : من از آنچه می کنید بیزارم .

آیه ولایت : إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ .

ولی شما ، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند : همان کسانی که نماز بر پا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند .

محدثان و مفسران اهل سنت و شیعه بر اسس احادیث متعدد معتقدند آیه ولایت درباره علی (ع) که در حال نماز انگشتر خویش را به ستمند بخشید نازل شد .

تعبیر ولی : به معنای سرپرست ، حاکم و صاحب اختیار است که خداوند پیامبر و جانشین وی را نیز در پرتو موهبت الهی عهده دار آن هستند .

الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ...

و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را ایمان آورده اند ، ولی خود بداند ، پیروز است چرا که حزب خدا همان پیروزمندان اند .

دلایل شیعه که بر امامت علی (ع) دلالت می کند:

-ولایت مؤمنان در آیه منحصر به خدا و پیامبر و جانشین پیامبر شده است .

-در آیه حجر فرمودند : وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ . هر کس خدا و پیامبر او کسانی که ایمان آورده اند ولی خود بداند پیروز است .

-اگر منظور از ولی دوست و یاور بود عبارت الذین آمنوا کفایت می کرد .

آیه تبلیغ : بسیاری از مفسران و محدثان اهل سنت و تمامی مفسران و محدثان شیعه بر آن اند این آیه در مورد امامت علی (ع) و داستان غدیر نازل شده است .

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ
ای پیامبر ، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده ، ابلاغ کن ، و اگر نکنی پیامش را نرسانده ای و خدا تو را از گزند مردم نگاه می دارد .

در هجدهم ماه ذیحجه سال یازدهم هجری در هنگام بازگشت پیامبر از حجه الوداع نازل شد .
پیامبر (ص) پیش از ابلاغ آیه تبلیغ و ولایت علی (ع) ، گواهی گرفت مردم نسبت به اصول دین ، حدیث ثقلین ، ناپذیری کتاب و عترت در یکدگر ، خبر از نزدیکی رحلت .

مهم ترین احادیث که به امامت علی (ع) دلالت می کند : حدیث منزلت ، سفینه ، امامان دوازده گانه .

دلایل روایی :

-حدیث منزلت : پیامبر در آن جایگاه خویش بر علی (ع) همانند جایگاه هارون می داند با این تفاوت که هارون مقام نبوت را داشت ولیکن امام علی (ع) این مقام را ندارد .
جمله تاریخی پیامبر درباره شایعه پرانی با حضرت علی (ع) دوباره اختلاف :
آیا راضی نمی شوی که نسبت به من بسان هارون نسبت به موسی باشی جز آنکه پس از من پیامبری نیست شایسته نیست که من بروم مگر اینکه تو خلیفه و نماینده من باشی .
در حدیث منزلت جایگاه علی (ع) نسبت به پیامبر به جایگاه دو پیامبر الی نسبت به یکدیگر .

حدیث سفینه :

پیامبر اسلام در روایتی اهل بیت خود را به کشتی نوح همانند کرده است .
أَلَا إِنَّ مَثَلَ أَهْلِ بَيْتِي فَيَكُم مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ فِي قَوْمِي مَن رَكِبَهَا نَجَى وَ مَن تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ .
آگاه باشید که اهل بیت من در میان امتم ، مانند کشتی نوح است که هر کس بر آن نشست نجات یافت و هر کس که به آن پناه نبرد غرق شد .

امامان دوازده گانه :

پیامبر تنها به نصب علی (ع) به امامت بنده نکرد بلکه به آمدن امامان دوازده گانه ای پس از خود خبر داد که عزت دین به عدد آن ها تحقق خواهد پذیرفت .
لا یزال الاسلام عزیزاً الی اثنی عشر خلیفه ، همواره اسلام به دوازده خلیفه عزیز خواهد بود .

عصمت امامان:

عصمت مقام اختصاصی پیامبر نسبت به غیر از ایشان ، امامان و افرادی چون حضرت مریم (س) و حضرت فاطمه (س) نیز معصوم می باشد .

دلایل عصمت:

1. عصمت یک منصب الهی و با توجه آن که قرآن کریم اطاعت ایشان به صورت مطلق آمده است .
2. آیه تطهیر بر اراده تکوینی خداوند بر عصمت اهل بیت (ع) بصورت قطعی و متممی از هر گونه رجس دلالت می کند : إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً .
- یرید : بر اراده تکوینی خداوند دلالت می کند که هیچ چیز نمی تواند آن را تغییر دهد .
- الرجس : شامل همه نوع آل دگی و گناه رفتاری و فکری
- اهل البیت : حضرت علی (ع) ، حضرت فاطمه (س) ، امام حسن (ع) و امام حسین (ع))
3. حدیث ثقلین بر اساس آن اهل بیت همه طراز قرآن اند و همانگونه که قرآن از تحریف مصون و نجات بخش انسان ها تا ابد است .
4. بر اساس حدیث سفینه : یگانه نجات بخش بش باید از خطا و گناه مصون باشد .

محبت به اهل بیت:

از ضروریان دین و تاکیدات قرآن و روایات محبت به اهل بیت

مهدویت:

امامان دوازده گانه از حضرت علی (ع) شروع و با امامت حضرت مهدی (عج) خاتمه می یابد و القابی چون ، مهدی ، حجت ، قائم ، ولی عصر دارد .

اهل شیعه بر این باورند که حضرت مهدی (عج) به امر خدا غایب شده است .

غیبت حضرت مهدی در دو نوع است:

غیبت صغری : از شهادت امام حسین عسگری (ع) تولد حضرت مهدی (عج) مدت آن از ۲۶۰ تا ۳۲ هجری است و راه ارتباط شیعیان با امام از طریق چهار نایب خاص است .

غیبت کبری : بعد از رحلت نایب چهارم حضرت مهدی (عج) آغاز شد و تا کنون ادامه دارد .

قرآن و غیبت:

بر اساس آیات قرآن اولیای الهی دو دسته اند :

1. ولی ظاهر : برای مردم قابل شناسایی است مانند حضرت موسی (ع))
2. ولی غایب : با آنکه در میان مردم است ولی کسی او را نمی شناسد همانند حضرت خضر (ع))

راز غیبت:

پیشینه غیبت رهبران : امت های گذشته مانند : غیبت چهل روزه حضرت موسی (ع) حضور در میقات .
غیبت حضرت عیسی (ع) ، غیبت حضرت یونس (ع) ، غیبت حضرت ولی عصر (عج))
امام باقر (ع) پیرامون همین حکمت می فرماید : برای حضرت قائم غیبتی است قبل از ظهور ماست هنگام ظهور
حضرت مهدی (عج))
برای ظهور ایشان دو دسته نشانه های ظهور است حتمی و نشانه ی غیر حتمی اما از تعیین زمان ظهور نهی
شده است و علم این جریان مانند علم به زمان قیامت مختص خداوند متعال است .

معنای انتظار:

برخی وظایف تعیین شده بای منتظران

-عمل به دستورات قرآن و سنت پیامبر با مراجعه به فقهای عادل
-انتظار ظهور و دعا برای تسبیح و فرج
در لغت انتظار به معنی چشم انتظار و چشم براه بودن است .
کسی چشم به راه است که برای او زمین چینی می کند همانند حضرت یعقوب (ع) در انتظار بازگشت یوسف .

فصل پنجم : مرجعیت و ولایت در عصر غیبت

دلایل و تعالیم اسلامی بر ضرورت تشکیل حکومت :

-وحدت اسلامی : تمسک به قرآن کریم و ریسمان الهی بری جلوگیری از تفرقه و امر به اجرای احکام قرآن
-اجرای قوانین اسلامی : در قرآن قوانین اجتماعی ، سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد و تحقق
آنها در سایه حکومت اسلامی است

معنای ولایت فقیه:

ترکیب ولایت ثقیه در دو واژه : ولایت و فقیه
در زبان فارسی : حکومت کردن ، تصرف کردن ، دست یافتن
در اصطلاح : ترکیب ولایت فقیه : سرپرستی ، حاکمیت
کاربرد قرآنی ولایت فقیه : سرپرستی مانند آیه شریفه ۹ شوری : فالله و هو الولی و هو یحی الموتی و هو کل
شیء قدیر : خداست که دوست راستین است .

معنای فقیه:

در لغت علم و متخصص در فقه آگاه به احکام حلال و حرام دین اسلام
در اصطلاح و در ترکیب ولایت فقیه : مجتهد جامع الشریطی که ویژگی هایی دارد :

آگاه به قوانین اسلام ، عادل ، با تقوا ، کاردان ، مدیر ، توانا در رهبری

اهداف و وظایف حکومت ولی فقیه:

حکومت در دیدگاه اسلامی به خودی خود ارزشمند نیست بلکه هنگامی ارزشمند است به هدف آن یعنی تحقق دین منتهی شود.

برخی از اهداف حکومت ولایت فقیه:

1. فراهم سازی زمینه تشکیل حکومت جهانی حضرت ولی عصر (ع.ع)
2. برپایی عدالت در تمام ابعاد
3. تحقق برادری و برابری و مساوات در مقابل قانون
4. افزایش سطح معنویات در جامعه
5. بهبودی سطح زندگی مادی و آبادانی
6. ترویج فرهنگ اسلامی

ولی فقیه:

- خوشبختی جامعه در گرو دو عامل : قوانین شایسته ، مجریان شایسته
در حقیقت قرآن بیانگر قوانین و ائمه معصومین مجریان این قوانین هستند .
سخن امام رضا (ع) بر وجود حاکم در جامعه اسلامی و امر به اطاعت:
1. اجرای قوانین به صورت کامل و جلوگیری از تجاوز افراد از محدوده ستورات دینی
 2. یکی از لوازم استمرار زندگی اجتماعی
 3. حفاظت جامعه از نابودی و فطرات
 4. بدون تعیین اولوالامر دین دچار مشکلاتی می شود .

ویژگی های ولایت فقیه:

1. آگاهی از قانون اسلام
2. ایمان و اسلام
3. کاردانی
4. عدالت
5. آراستگی به فضایل اخلاقی و الوده نبودن به خصلت های ناپسند .

ادله ولایت فقیه:

سیده عقلا : بدین معنا است که خردمندان به کسی مسئولیت می دهند که چند شرط داشته باشد .

دانایی نسبت به مسئولیت ، توانایی در انجام مسئولیت ، امانت داری در انجام مسئولیت
از دیدگاه امام خمینی این امری بدیهی است و عقل حکم می کند که رهبر جامعه اسلامی به عنوان متولی
تحقق عدالت و فضایل اخلاقی در جامعه باید به این امور آگاه و متصف باشد .

مبنای مشروعیت ولایت فقیه:

منشأ مشروعیت : معنای مشروعیت بر حق بودن و حقانیت ، مقبول بودن ، اعتبار داشتن .
معنای مشروعیت : فرد یا افرادی که مسئولیت اداره جامعه را بر عهده می گیرند و در جان و حال مردم تصرف
می کنند .

نقش و جایگاه مردم در نظام ولایت فقیه:

از دیدگاه اسلام خداوند انسان را آفریده است از این رو در پرتو تعقل و اختیار خود حاکمیت دینی و ولایت فقیه را
بپذیرد و یا از آن سر باز زند.
- پذیرش ولایت فقیه همانند اصل دین به انسان واگذار شده است و انسان در انتخاب آن اختیار و آزادی دارد .
- یکی از مسلمات فقه اسلامی اختیار انسان در تصرف نسبت به مال و جان خود است .
- عقل می پذیرد که لازمه حکمرانی و حکومت نوعی سلطه بر مال و جان مردم .

انتصاب یا انتخاب ؟ :

انتصاب یعنی : تعیین حاکم از سوی خدا به دو صورت است نصب خاص ، نصب عام
انتخاب یعنی : یقین حاکم به وسیله مردم
حاکمیت ولایت فقیه از جهت اصل ثبوت انتصابی از نوع نصب عام است و از جهت تحقق و استمرار آن انتخابی
است .
نصب خاص آن است که خداوند فردی را با اسم و مشخصات معین به رهبری جامعه اسلامی بگمارد چنان که در
مورد پیامبر و امامان معصوم صورت گرفت .
بنابراین حاکمیت ولی فقیه از یک سو انتصابی است یعنی صفاتی را که قرآن و معصومین برای رهبری جامعه
اسلامی بر شمرده اند .
از سویی دیگر حاکمیت ولی فقیه انتخابی است به این معنا که مردم باید با انتخاب و رای خود چنین حاکمیتی
را بپذیرند تا محقق و استقرار یابد .

ولایت یا وکالت:

یکی از پرسش های مهم در باب حاکمیت ولی فقیه آن است که آیا این حاکمیت از باب ولایت است یا وکالت
حاکمیت وکالتی بدین معناست که مردم به حاکم وکالت می دهند تا به عنوان جانشین آنها خواسته هایشان را
برآورده سازد .

حاکمیت ولایتی : حاکم مشروعیت خود را پیش از انتخاب مردم و در مقام ثبوت از خداوند و معصومان می گیرند. در این نوع حاکمیت ولی فقیه به نصب عام از جانب خدا حق دارد حکومت کند اما مردم باید چنین حاکمیتی را بپذیرند به تعبیری این نوع حاکمیت بر خلاف حاکمیت وکالتی بر دو پایه دین و مکتب و پذیرش مردمی استوار است.

حاکمیت وکالتی بر دیدگاهی انسان مدارانه استوار است بدین بیان که حکومت و ولایت حق مردم است و طبعا تمام آن به مردم باز میگردد. همچنین با توجه به دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه چنین ولایتی از یک سو منصبی الهی است که از سوی خدا و معصومین (ع) به ولی فقیه داده شده و از سوی دیگر استقرار چنین حاکمیتی بر پذیرش مردمی میتنی است. بنابراین بر اساس آموزه های دینی نمی توانیم ولایت فقیه را از باب وکالت بدانیم.

قسمت دوم جزوه معارف و اندیشه اسلامی در پنج بخش ذیل ارائه می گردد:

۱- انسان و ایمان

۲- وجود خدا

۳- صفات خدا

۴- مسئله شر

۵- توحید و شرکت

فصل اول : چیستی انسان

خودشناسی : قرآن و روایات اسلامی ، انسان را به خودشناسی دعوت می کنند.

قرآن می فرماید :

-انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؛^۱

-آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است ؛^۲

-ای کسانی که ایمان آورده اید! به خود بپردازید...^۳

امیرالمومنین علی (ع) می فرماید :

کسی که به خودشناسی دست یابد، به بزرگترین سعادت و کامیابی رسیده است.

اهمیت و ضرورت خودشناسی

۱ - مقدمه ی کمال انسانی

اگر آدمی قبل از هر چیز خود را بشناسد ، بهتر می تواند از سرمایه های وجودی خود بهره برد و آنها را شکوفا کند ؛ زیرا نقطه آغاز همان شناخت سرمایه های وجودی است . او می تواند از خو بپرسد : آیا حد وجودی انسان در حد سایر حیوانات است یا قدرت تعالی و رشد و پرواز کردن دار ؟

۲ - پیش درآمد جهان شناسی

انسان باید ابتدا قوا و ابزارهای شناخت خود و گسترده و مرزهای آنها را بشناسد تا بعد به شناخت جهان دست یابد . امیرالمومنین علی (ع) می فرمایند :

طارق (۸۶) : ۵-۱

مریم (۱۹) : ۶۷-۲

مائده (۵) : ۱۰۵-۳

کیف یعرف غیره من یجهل نفسه.

کسی که خود را نمیشناسد ، چگونه غیر خود را تواند شناخت؟!

۳ - مقدمه خدشناسی

امیرالمومنین علی (ع) می فرماید :

من عرف نفسه عرف ربّه.

هرکس خود را بشناسد پروردگارش را میشناسد.

و در جای دیگر می فرماید : خدایا! تو قلب ها را با محبت خود و عقل ها را با معرفت خود سرشته ای.

بنابراین خودشناسی مقدمه محبت و معرفت به خدا است.

۴ - حلال مشکلات انسان

بسیاری از مکاتب ساخته و پرداخته ی دست بشر نظیر اتریالیسم ، لیبرالیسم ، نازیسم ، تبعیض نژادی ، سرمایه داری و اگزیستانسیالیسم الحادی ، که امروزه سرنوشت آدمیان را رقم می زنند ، ریشه در عدم شناخت انسان دارند.

حقیقت انسان

می توان انسان را شناخت و اصولا تمام تحلیل های آنها در باب انسان ، مادی گرایانه است . بر اساس این تحلیل انسان با مردن و متلاشی شدن جسمش نابود میگردد.

گروه دیگر علاوه بر بعد مادی انسان ، به بعد غیر مادی او نیز اعتقاد دارند ، و برای انسان علاوه بر بدن مادی ، حقیقتی به نام روح قائلند. ادیان الهی به ویژه دین اسلام با نظر دوم همراهند. محور همه ی تعالیم ادیان الهی روح آدمی است و اگر به جسم انسان نیز توجه میکنند به دلیل تاثیر آن در روح است.

روح ؛ حقیقت انسان

از دیدگاه قرآن انسان علاوه بر بدن مادی ، از روح الهی بهره مند است و اصولاً حقیقت انسان روح او است.
ثمّ سوّاه و نفخ فیه من روحه.

سپس {خدا} اندام انسان را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید.^۴

و {یادکن} هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت : من بشری را از گلی خشک ، سیاه و بدبو خواهم آفرید. پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم ، پیش او به سجده در افتید.^۵

آیاتی که درباره شهدا سخن میگویند به صراحت بیان دارند شهدا زنده اند و نزد پروردگار خویش از نعمت های الهی بهره میبرند حال آنکه جسم مادی آنان متلاشی شده است. بنابراین حقیقتی که حیات انسان وابسته به آن است همان روح اوست که پس از مرگ باقی است.

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شد اند مرده مپندار ؛ بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده میشوند.^۶

اگر روح و روان ما مادی بود ، باید میتوانستیم آن را به دو قسمت تقسیم کنیم پس به ناگزیر روح غیر مادی خواهد بود.

ابعاد روح و روان انسان

۱ - بعد ادراکی انسان

ادراک نظری : شناختی که برای انسان حاصل میشود یا از طریق صورت ها و مفاهیم ذهنی است مانند علم انسان به درختی در مقابل خود که از این درخت ، صورتی در ذهن او حاصل میشود و به آن علم حصولی میگویند و یا چنین واسطه ای وجود ندارد و انسان مستقیماً به متعلق شناخت و یا وجود واقعی و عینی آن آگاهی دارد که به آن علم حضوری میگویند ؛ مانند آگاهی انسان به حالات روانی و احساسات و عواطف خود. هنگامی که دچار ترس میشویم این حالت روانی را مستقیماً و بی واسطه درمیابیم.

سجده (۳۲) ۹ - ۴

حجر (۱۵) ۲۸ و ۲۹ - ۵

آل عمران (۳) ۱۶۹ - ۶

گاهی متعلق علم حضوری ، خدا و امور مربوط به خداست که به آن شهود عرفانی نیز میگویند. بزرگان معصوم مانند امیرالمومنین (ع) قبل از اینکه اشیا را مشاهده کنند خدا را میبینند؛^۷ چنان که در روایتی از آن حضرت نقل است ؛

من خدایی را که نبینم عبادت نمیکنم ؛ البته نه با چشم سر بلکه با چشم قلب.

من هیچ شی ای را نمیبینم مگر اینکه قبل از آن و با آن و بعد از آن خدا را میبینم.

ادراک عملی : شناختی را که مربوط به حوزه عمل یعنی باید ها و نباید ها و خوب ها و بدها است ، حوزه شناخت عملی میگویند ؛ مانند اینکه عدالت خوب است یا انسان باید راست بگوید. به تعبیری حکمت عملی عبارت است از علم به تکلیف و وظائف انسان

۲ - بعد گرایشی انسان

روح انسان علاوه بر بعد شناختی بعد دیگری به نام گرایش دارد. بعد گرایشی همان تمایلاتی اند که با روح انسان سرشته اند.

گرایش های حیوانی : این گرایش ها میان انسان و حیوان مشترکند.

نمونه هایی از آنها عبارت اند از ؛ گرایش به حفظ ذات و صیانت از خود و میل به جنس مخالف. این گرایش ها را غریزه هم میگویند.

از گرایش های اصیل انسان ، میل و محبت به خداست که از وی جدایی ناپذیر است.

خداوند انسان را با فطرت دینی و الهی آفریده است و دگرگونی در آفرینش الهی وجود ندارد. از این روست که امیرالمومنین علی (ع) می فرماید : خداوندا! تو قلب ها را بر محبت خود آفریده ای.^۸

اگر محبت و میل به خدا آمیخته با وجود آدمی است ، دیگر انفکاک آن از وجود او امکان ندارد.

دیدگاه متفکران مغرب زمین

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۷۲^۷

محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۴۰۳ -^۸

دانشمندان بر آنند که شواهد فراوانی وجود دارد که آیین های دینی در دوران اولیه ما قبل تاریخ وجود داشته اند و به احتمال فراوان مفهوم شیء مقدس از همان آغاز بخشی از تجربه بشری بوده است.

مهمترین بحران ها

بحران معرفتی

برخی تنها ابزار شناخت را حس و تجربه حسی میدانند و آنچه را به چنگ حس و تجربه نمی آید ، انکار میکنند و به تعبیری ، عالم را با پدیده های زمانمند و مکانمند برابر میدانند و امور غیر مادی را که با ابزار حسی شناختنی نیستند انکار میکنند.

اگر آدمی به درستی در خود تأمل کند ، در میابد که ابزار حسی و تجربی تنها ابزار شناخت نیست بلکه قوه عقلانی و شهود عرفی نیز گونه ای دیگر از ابزار شناخت اند. انسان با کمک قوه عقلانی میتواند از امور محسوس به امور نامحسوس راه یابد و با کمک شهود عرفانی بی واسطه امور غیر حسی را مشاهده نماید. همچنین هنگامی که انسان به درون خود بنگرد و به روح غیر مادی خویش توجه نماید ، عالم را منحصر به ماده نخواهد دانست.

بحران اخلاقی

در جهان معاصر معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی ، لذت گرایی و سودگرایی مادی است. دعوت انسان به ارزش ها و فضایل والای انسانی و مبارزه با نفس اماره بی معنا شده است.

ریشه این بحران اخلاقی غفلت از ساحت غیر مادی انسان و فضایل فطری او و عدم توجه به خدا و تعالیم پیامبران الهی میباشد. راه برون رفت از این بحران آن است که بار دیگر آدمی به خود رو کند و تنها بعد مادی را در نظر نگیرد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید :

انّی بعثت لا تمّم مکارم الاخلاق.

من بر انگیخته شدم تا مکارم اخلاق را به اوج خود برسانم.

در جهان امروز پیشرفت های شگفت آوری در علوم تجربی به ویژه روانشناسی و روانکاوی رقم خورده اند ؛ اما نتوانسته اند مشکلات روحی و روانی انسان - مانند اضطراب ها ، فشارهای روانی ، روان پریشی ، افسردگی ها و پوچ گرایی و بی معنا بودن زندگی-را درمان بخشند.

تمام این مشکلات ناشی از آن است که آدمی هویت و حقیقت انسانی خود را به خوبی نشناخته است و نقطه اتکا و آرامش خود ، یعنی خداوند متعال را از دست داده است.

نقش دین در رفع بحران های انسانی

دین و بحران معرفتی : بر اساس آموزه های دینی راه های شناخت اعم از حس ، عقل ، شهود عرفانی و وحی است. آدمی از طریق عقل ضرورت وحی را اثبات می نماید و وحی الهی بسیاری از حقایق زندگی انسان را روشن میسازد. دین نه تنها انسان را به حوزه خاصی از شناخت محدود نمیکند ، بلکه افق بازتری را پیش روی او میگشاید و عقل به تنهایی توان نیل به این مهم را ندارد.

دین و بحران اخلاقی : دین همواره پشتوانه استوار اخلاق بوده و هست. خدا خالق انسان ، راهنما و بر اعمال او ناظر است. اوامر و نواهی خدا در قالب وحی برای سعادت آدمی به دست او رسیده اند و پیامبران الهی برای تحقق فضایل اخلاقی مبعوث شده اند. برای مؤمنان رستین عشق و محبت به خدا انگیزه عمل به دستورهای الهی است.

دین و بحران روانی : دین پشتوانه مستحکمی برای غلبه بر اضطراب های روانی است. بخش مهمی از عوامل روان پریشی ها و اضطراب ها ، به استغنا از خدا و بی معنایی و بی هدفی زندگی برمیگردد. انسان که هستی خود را از خدا و بازگشت خود را به او میداند و زندگی دنیا را محل آزمایش و ابتلاء می شمارد.

و من اعرض عن ذکرى فان له معیشهً ضنکاً.(طه-۱۲۴)

و هرکس از یاد من دل بگرداند ، در حقیقت زندگی تنگ خواهد شد.

الا بذكر الله تطمئن القلوب.(رعد-۲۸)

آگاه باشید که با یاد خداست که دل ها آرام میگیرد.

فصل دوم : ایمان

معنای لغوی و اصطلاحی ایمان

ایمان امری است معنوی و حالتی روحی که جایگاه آن قلب آدمی است. شناخت واقعی امور معنوی و روحی نظیر شادی و غم و امید، از طریق علم حضوری میسر است.

شخص با ایمان چنان دلگرمی و اطمینان دارد که هرگز در اعتقاد خویش شک نمیکنند و به تعبیری از شک و تردید ایمن است. از حضرت رضا (ع) در باب ایمان نقل شده است :

ایمان ، تصدیق قلبی و اقرا زبانی و عمل به ارکان و اعضاست.

ایمان و معرفت : از دیدگاه قرآن امان مبتنی بر معرفت و علم است.

قرآن از نمونه هایی یاد میکند که در آجا علم هست ولی ایمان نیست ؛

۱ - هنگامی که قوم بنی اسرائیل معجزات روشن حضرت موسی (ع) را دیدند به انکار برخاستند و گفتند : این سحری است آشکار ؛

و جحدوا بها و استیقنتها انمفسهم ظلماً و علواً. (نمل-۱۴)

و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند

۲ - شیطان با اینکه از عظمت خدا آگاه بود و هزاران سال بندگی خدا را میکرد ، رانجام ایمان خود را از دست داد و راه کفر و عناد پیشه کرد و به اغواگری مردم پرداخت.

بنابر آیه ای دیگر خشیت الهی که از لوازم ایمان است ناشی از علم و آگاهی به خداوند است :

از میان بندگان خدا تنها دانشمندان از او می هراسند. (فاطر-۲۸)

در اسلام ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است ؛ ولی در مسیحیت انسان باید نخست ایمان بیاورد تا بفهمد نه اینکه نخست بفهمد و سپس ایمان بیاورد. این معرفت ستیزی از آن روست که به کتاب مقدس مسیحیان تحریف راه یافته است.

اسلام معتقد است که عقل و دین دو موهبت الهی است که خداوند به بشر ارزانی داشته است آدمی با عقل و دین میتواند به سعادت جاودانه برسد. عقل ، دین را و دین ، عقل را تأیید میکند.

ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم ؛ شاید تعقل کنید.(یوسف-۲)

در آیه ای دیگر بدترین جانوران را کسانی می داند که تعقل نمی ورزند.(انفال-۲۲)

امام کاظم (ع) به هشام می فرماید :

یا هشام ان الله على الناس حجتين : حجة ظاهرة و حجة و باطنه فاما الظاهرة فالرسول و الانبياء و الائمة عليهم السلام و اما الباطنه فالعقول.(کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶)

خداوند بر مردم دو حجت دارد حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی. حجت آشکار ، رسولان و انبیاء و امامانند و اما حجت باطنی عقول مردمند

امام صادق (ع) می فرماید : عقل راهنمای مؤمن است.(کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۶)

ایمان و عمل

از دیدگاه اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد هر چند از لحاظ مفهوم متمایزند. در برخی روایات درباره ی ایمان و عمل آمده است که خداوند یکی را بدون دیگری نمیپذیرد. همچنین از روایات بر می آید که عمل نمود ظاهری ایمان است و اگر عمل نباشد ، آشکار میشود که ایمان در قلب ریشه ندوانیده است. اما کمترین مرتبه ایمان چیست ؟ مردی از امام صادق (ع) همین را پرسید. امام (ع) پاسخ داد : ((اینکه آدمی به وحدانیت خدا و بندگی و رسالت محمد (ص) گواهی دهد و اطاعت از حق را بپذیرد و امام زمان خود را بشناسد. هرگاه چنین کرد او مؤمن است.))

امام باقر (ع) از حضرت علی (ع) نقل میکند که مردی از ایشان پرسید : ((آیا هر کس به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر گواهی دهد مؤمن است ؟)) حضرت در پاسخ می فرماید :

((پس واجبات الهی چه می شوند؟!))

نیز روایت است که علی (ع) می فرماید :

اگر ایمان تنها بر زبان آوردن شهادتین بود روزه و نماز و هیچ حلال و حرامی تشریح نمی گشت.

رابطه عمل و ایمان : تنها عملی ارزشمند است که از سر ایمان و بندگی خدا ناشی شود نه عملی که از سر نفع شخصی و یا عادت و ریا به انجام رسد.

ایمان و اختیار

و قل الحق من ربکم فمن شاء فليؤمن ومن شاء فليکفر. (کهف-۲۹)

بگو ، دین حق ، همان است که از جانب پروردگار شما آمد. پس هر که می خواهد ایمان بیاورد. (و این حقیقت را پذیرا شود) و هر کس می خواهد کافر گردد.

از این آیه به خوبی بر می آید که ایمان و کفر دو امر اختیاری است.

همچنین خداوند در قرآن به صراحت کفر را مذمت می کند و همین نشان می دهد که انکار ایمان از سر اختیار است و گرنه مذمت افعال غیراختیاری معنی ندارد :

کسانی که آیات ما دروغ شمردند و از پذیرفتن آنها تکرر ورزیدند ، درهای آسمان بر ایشان گشوده نمی شود و در بهشت نمی آیند و (اعراف-۴۰)

متعلقات ایمان

قرآن در آیات متعددی متعلقات ایمان را بر شمرده است که برخی از آنها عبارت اند از :

۱ - ایمان به خدا ۲ - ایمان به آخرت ۳ - ایمان به رسالت پیامبر و انبیای گذشته ۴ - ایمان به قرآن و کتب الهی پیشین ۵ - ایمان به ملائکه ۶ - ایمان به امامت ۷ - ایمان به عالم غیب (بقره-۳ و ۴ ، اعراف ۱۵۸)

از میان ایت متعلقات ایمان به خدا ، ایمان به رسالت و ایمان به معاد از اهمیت ویژه ای برخوردارند و اصول دین محسوب میشوند.

بخش دوم وجود خدا

فصل اول : برهان فطرت بر وجود خدا

ماده ((فَطَر)) در اصل به معنای آغاز و شروع است و به همین دلیل به معنای خلق نیز به کار میرود.

اموری را می توان فطری دانست که دارای سه ویژگی اند :

اول : در همه ی افراد آن نوع یافت می شوند.

دوم : همواره ثابت اند.

سوم : نیاز به تعلیم و تعلم ندارند.

امور فطری انسان را می توان به دو دسته تقسیم کرد :

الف) شناخت های فطری که هر انسانی بدون نیاز به آموزش از آنها برخوردار است.

ب) میل ها و گرایش های فطری که مقتضای آفرینش هر فردی است.

فطری بودن خدانشناسی

دلیل نقلی

قرآن کریم می فرماید : پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای. (غاشیه-۲۱)

پس روی خود را متوجه آیین خالص پروردگار کن ! این فطری است که خداوند انسان ها را بر آن آفریده ؛

دگرگونی در آفرینش الهی نیست. این است آیین استوار ، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (روم-۳۰)

پس رسولانش را در میانشان گمارد و پیمبرانش را پیایی فرستاد تا از آنان بخواهند حق میثاق فطرت را

بگذارند و نعمتی را که فراموششان شده به یادشان آرند. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

راه های شکوفایی فطرت عبارت اند از :

الف) هر گاه انسان ها از همه جا قطع امید میکنند ، به خدا رو می آورند ؛ چنان که قرآن کریم می فرماید :

و چون در دریا به شما صدمه ای برسد ، هر که را جز او می خوانید ناپدید {و فراموش} می گردد ، و چون {خدا} شما را به سوی خشکی رها کنید ، رویگردان میشوید و انسان همواره ناسپاس است.(اسراء-۶۷)

ب) توجه به مخلوقات و نظم حاکی بر آنها

آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده است و به آسمان که چگونه بر افراشته شده است و به زمین که چگونه گسترده شده است و به کوه ها که چگونه بر پا داشته شده ؟ و به زمین که چگونه گسترده شده است ؟ پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده ای.(غاشیه-۱۷ تا ۲۱)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید ، که او را برای شما دشمن آشکاری است. و این که مرا بپرستید که راه مستقیم این است.(یس-۶۰ و ۶۱)

تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند از روی اطاعت و اکراه و همچنین سایه هایشان ، هر صبح و عصر برای خدا سجده می کنند.(رعد-۱۵)

ممکن است این خداجویی بر اثر تعلیم و تربیت غلط و تأثیرات محیطی کم فروغ گردد ؛ ولی نابود نمی شود و در اوضاع و شرایطی دوباره نمود خواهد شد ؛ چنان که قرآن در این باره می فرماید :

هنگامی که بر کشتی سوار می شوند خدا را پاکدلانه می خوانند {ولی} چون به سوی خشکی رسانند و نجاتشان داد ، به ناگاه شرک می ورزند.(عنکبوت-۶۵)

فصل دوم : برهان علی

۱ - تعریف علت و معلول : اگر دو وجود الف و ب را با یکدیگر مقایسه کنیم و ببینیم که الف موجودی است که تحقق موجود دیگر یعنی ب متوقف بر آن است ، وجود الف را علت و وجود ب را معلول می گوئیم. این تعریف ، تعریف عام است که شامل علل ناقصه نیز می شود. اما علت معنای خاصی نیز دارد که این علت را علت تامه نیز می گویند.

فیلسوفان علت را بر چهار قسم می دانند : علت فاعلی ، علت غایی ، علت صوری و علت مادی. علت فاعلی ، آن است که معلول از آن به وجود می آید و علت غایی ، انگیزه فاعل برای انجام کار است. علت مادی ،

زمینه ی پیدایی معلول است و در ضمن آن باقی می ماند ؛ مانند عناصر تشکیل دهنده ی گیاه. علت صوری ، صورت و فعلیتی است که در ماده پدید می آید و منشأ آثار جدیدی در آن می گردد ؛ مانند صورت نباتی.

اصل علیت : در این برهان اصل علیت ، یعنی {هر معلولی علتی دارد} به خدمت گمارده شده است.

موجود به طور مطلق نیست ؛ تا بگوییم هر موجودی نیازمند علت است ، بلکه موضوع علّیت موجود معلول و وابسته است ، یعنی هر موجودی وابسته ای نیازمند علت است. چون خدای متعال معلول و وابسته نیست ، نیازی به علت و آفریننده نخواهد داشت.

اثبات معلولیت عالم : موج دی که تغییر می پذیرد بی گمان فقر وجودی دارد. در نتیجه معلول است ؛ چرا که تغییر علامت فقدان و کمبود است و روشن است که موجود دارای نقص و کمبود ، خود نمی تواند کمبود خویش را مرتفع سازد ؛ بلکه محتاج علتی است که آن را قوّه و استعداد به فعلیت برساند.

امام علی (ع) می فرماید : هر چیزی غیر از خداوند معلول است. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶)

هر شیئی به او قیام دارد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

امتناع دور و تسلسل در علل

فلاسفه به این اشکال پاسخ داده اند که تسلسل علل تا بی نهایت محال است.

اگر سلسله ای از علل و معلولات را فرض کنیم که هر یک از علت ها ، معلول علت دیگری است ، سلسله ای از تعلقات و وابستگی ها خواهیم داشت و بدیهی است که وجود وابسته بدون جود مستقل — که طرف وابستگی آن است — تحقق نخواهد یافت. پس ناگزیر باید ورای این سلسله ی وابستگی ها و تعلقات ، وجود مستقلی باشد که همگی آنها در پرتو آن تحقق یابند ، زیرا مجموع بی نهایت محتاج و وابسته هرگز غیر محتاج و مستقل و غنی نخواهد شد ؛ همچنان که مجموع بی نهایت صفر ، عدد صحیح نخواهد شد.

اما آیا اینکه نمی شود این جهان ، علت خودش باشد که اصطلاحاً آن را دور می نامند باید گفت ، دور به معنای این است علت وجودی موجود ، خود او باشد ؛ یعنی وجود موجود بر خود متوقف باشد و این امر مستلزم آن است که موجود بر خود مقدّم باشد و لازمه ی آن اجتماع متناقضین است.

ام خلقوا من غير شيء أم هم الخالقون (طور-۳۵)

آیا از هیچ خلق شده اند ؟ آیا آنکه خودشان خالق (خود) هستند ؟

فصل سوم : برهان نظم

آدمیان از دیرباز با مشاهده پدیده های منظم و هماهنگ جهان ، از خویش پرسیده اند که این نظم و هماهنگی معلول چیست ؟

به راستی در آسمان ها و زمین برای مؤمنان نشانه هایی است و در آفرینش خودتان و آنچه از انواع جنبنده ها پراکنده می گرداند ، برای مردمی که یقین دارند نشانه هایی است و نیز پیاپی آمدن شب و روز و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده به وسیله ی آن ، زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است ، و {همچنین در} گردش بادهای {بر سر} برای مردمی که می اندیشند ، نشانه هایی است. این {ها} است آیات خدا که به حق آن را بر تو می خوانیم. پس بعد از خدا و نشانه های او به کدام سخن خواهند گروید؟ (جاثیه-۳-۶)

ساختار مشترک برهان نظم

مقدمه ی اول : عالم طبیعت پدیده ای منظم است یا در عالم پدیده ای منظم وجود دارد.

مقدمه ی دوم : هر نظمى بر اساس بدهت عقلی از ناظمی حکیم و با شعور ناشی می شود.

نظم : پدیده منظم ، مجموعه ای است که اجزای آن به گونه ای با هم ارتباط دارند که همگی هدف یگانه و مشخصی را تعقیب میکنند.

اگر در مجموعه های منظم دقت شود آشکار می گردد که سه عنصر ، سازنده اصلی مفهوم نظم است.

اول : طراحی و برنامه ریزی دقیق ؛

دوم : سازماندهی حساب شده ؛

سوم : هدفمندی.

تقریرهای مختلف برهان نظم

برهان نظم را میتوان به سه صورت مطرح ساخت : برهان هدفمندی ، برهان نظم از موارد جزئی و برهان هماهنگی در کل عالم.

۱ - برهان هدفمندی

و او است که از آسمان ، آبی فرود آورد ، پس به وسیله آن از هرگونه گیاهی برآوردیم و از آن جوانه سبزی خارج ساختیم که از آنها دانه های متراکمی برمی آوریم و از شکوفه ی درخت خرما خوشه هایی است نزدیک به هم ، و باغ هایی از انگور و زیتون و انار خارج نمودیم. به میوه ی آن وقتی ثمر دهد و به {طرز} رسیدنش بنگرید. قطعاً در این ها برای مؤمنان نشانه هایی است.(انعام-۹۹)

۲ - برهان نظم از موارد جزئی

در این تقریر از موارد جزئی نظم به ناظم حکیم پی برده می شود. هنگامی که به موجودات این عالم می نگریم ، سازماندهی حساب شده و برنامه ریزی قیق را احساس می کنیم. چنین نظمی به خودی خود رخ نمی دهد. بنابراین ، ورا ی چنین موجودات منظمی ، ناظم حکیم و علیمی وجود دارد که از سر حکمت و آگاهی آنها را پدید آورده است.

به راستی در آسمان ها و زمین ، برای مؤمنان نشانه هایی است.(جاثیه-۳)

۳ - برهان هماهنگی در کل عالم

این تقریر از برهان نظم بر هماهنگی و نظم کل عالم تأکید می کند تا ناظم حکیم را برای کل عالم اثبات کند.

پس خداوند آفرینش را آغاز کرد... و اجزای مخالف را با هم سازوار ساخت.(نهج البلاغه-خطبه ۱)

از بیانات به خوبی بر می آید که جهان مجموعه ای هماهنگ است که از سر حکمت و علم و تدبیر آراسته شده است و این هماهنگ کننده و نظم دهنده کسی جز خدا نیست و اگر خدایی جز خدای یگانه وجود داشت ، عالم تباه می گردید :

لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا. (انبیاء-۲۲)

اگر در آسمان و زمین ، خدایانی جز الله وجود داشت ، تباه می شدند.

TestDownload.ir

فصل اول : امکان شناخت صفات خدا

۱ - دیدگاه اهل تعطیل

این گروه بر آنند که عقل آدمی راهی به شناخت اوصاف الهی ندارد. زیرا خداوند هیچ شباهتی با مخلوقات ندارد. امروزه مسلک اهل تعطیل [لا اداری گری] خوانده می شود. پوزیتیویست ها و حس گرایانی مانند دیوید هیوم و نیز ایمانوئل کانت در محدوده عقل نظری را می توان از طرفداران لا اداری گری دانست.

۲ - دیدگاه اهل تشبیه

چون اینان اوصاف خدا را به اوصاف مخلوقات تشبیه می کنند به اهل تشبیه یا مشبهه مشهورند. اهل تشبیه برای خدا اعضا و جوارح جسمانی - مانند دست و پا و سر و گوشت و خون - در نظر گرفته اند.

دلیل عقلی : خدایی که دارای اعضا و جوارح مادی است ، مرکب و نیازمند اعضا و در نتیجه مخلوق و وابسته است و نیازمندی و مخلوق بودن ، با خالق بودن و بی نیازی و واجب الوجود بودن سازگار نیست.

۳ - دیدگاه اثبات بلا تشبیه

می توان گفت که انسان صفات خدا را به گونه ی محدود می شناسد. علامه طباطبایی می گوید :
مثلاً انسان در شناخت خداوند مثل کسی است که دو دست خویش را به آب دریا نز یک کند و بخواهد از آن تناول کند ، او فقط می خواهد آب بنوشد و ابداً مقدار برای او مطرح نیست الا این که بیشتر از اندازه دو دستش نمی تواند از آب دریا بردارد. (طباطبایی، مجموعه رسائل، ص ۲۲۷)

بنابراین دیدگاه ، نه مسلک تعطیل درست است نه مسلک تشبیه.

خدا انسان را به عبادت فرا می خواند :

من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه عبادتم کنند. (ذاریات-۵۶)

و عبادت ، مستلزم معرفت و شناخت معبود است. البته به قدری که در توان انسان است. عبادت بدون شناخت معبود ارزشی ندارد.

فصل دوم : راه های شناخت صفات خدا

۱ - راه عقلی

هر صفتی که موجب نقص ذات غنی بالذات شود ، باید از او سلب گردد.

خواجه نصیرالدین بیان می دارد که وجوب وجود خداوند ، ما را به چند نتیجه راه می نماید :

- خداوند تعالی همواره وده و باقی است ؛ زیرا واجب الوجود آن است که وجود برای او ضروری است پس عدم بر او روا نیست
- خدا شریک ندارد.
- خدا مرکب نیست ؛ زیرا مرکب به اجزا نیازمند است.
- خداوند در مکان قرار نگرفته است.
- خداوند ، در چیزی حلول نمی کند. برخی بر آنند که خداوند در مسیح حلول کرده و برخی عوام صوفی معتقدند که خداوند در بدن عارف واصل حلول می کند . این عقیده باطل است.
- خدا با غیر خود متحد نمی گردد ؛ زیرا غیر او ممکن الوجود است و روا نیست که موجود غنی بالذات با موجود فقیر و وابسته متحد گردد.
- خدا در هیچ جهتی نیست ؛ چون جسم نیست.
- خدا محل حوادث نیست ؛ بدین معنا که امکان ندارد صفت و حالت تازه ای برای او پیدا شود.
- واجب الوجود در هیچ صفتی به کسی احتیاج ندارد.
- صفات خدا زائد بر ذات او نیستند. صفات حقیقی او عین ذات اویند.
- خدا را با چشم سر نمی توان دید ؛ زیرا او جسم نیست و رنگ ندارد.
- خدا پادشاهی و حاکمیت دارد

۲ - سیر در آفاق و انفس

برای مثال از مطالعه و بررسی نظم جهان هستی ، حیوانات ، گیاهان و حتی خود انسان آشکار می گردد که ناظم و خالق هستی بر اساس سنخیت علت و معلول باید از صفت علم ، حکمت و قدرت برخوردار باشد و همچنین از انسجام و وحدت حاکم بر جهان هستی می تواند به وحدت و توحید خالق و ناظم هستی پی ببرد.

۳ - قرآن و روایات

۴ - کشف و شهود

انسان بر اثر تکامل روحی و کسب فضایل معنوی به جایی می رسد که می تواند بسیاری از حقایق ، از جمله صفات جمال و جلال الهی را از طریق مشاهده قلبی درک کند.

توفیقی بودن اسما و صفات الهی

برخی متکلمان مسلمان برآنند که صفات و اسمای الهی {توقیفی} اند. معنای توقیفی آن است که مسلمانان در مقام وصف خدا باید تنها از صفاتی استفاده کنند که در قرآن و روایات معتبر مطرح شده اند.

فصل سوم : انواع صفات خدا

۱ - صفات ثبوتی و سلبی

صفات ثبوتی ، آن دسته از صفات اند که کمالی از کمالات خدا را بیان می کنند و جنبه ثبوتی و وجودی دارند و نبود آنها گونه ای نقص محسوب می گردد ؛ مانند علم ، قدرت ، حیات و ...

صفات سلبی ، آن دسته از صفاتی اند که نقص و کاستی -مانند جهل- را از خدا نفی می کنند. مثلاً جهل به معنای سلب علم است و سلب آن ، اثبات علم است.

شمار صفات ثبوتی و سلبی

برخی متکلمان ، صفات ثبوتی و کمالی خدا را هشت صفت دانسته اند که عبارت اند از : عالم ، قادر ، حی ، سمیع ، بصیر ، مرید ، متکلم و غنی.

همچنین آنان صفات سلبیه الهی را هفت صفت دانسته اند : جسم نیست ، جوهر نیست ، عرض نیست ، مرئی نیست ، در مکان نیست ، حال در چیزی نیست و حد ندارد.

۲ - صفات ذاتی و فعلی

صفات ذاتی آن دسته از صفات اند که از ذات الهی انتزاع می یابند.

صفات فعلی خدا آن دسته از صفات اند که از ارتباط ذات الهی با مخلوقات انتزاع می شوند ؛ مانند صفت خاقیت که از وابستگی وجودی مخلوقات به ذات الهی انتزاع می گردند.

مراتب علم خدا

علم خدا را می توان به سه صورت تصور کرد :

- علم به ذات ؛

- علم به موجودات و مخلوقات پیش از آفرینش آنها

- علم به موجودات و مخلوقات پس از آفرینش آنها.

۱ - علم خدا به ذات خود : ما به اجمال می دانیم که خدا به ذات خود آگاه است. حتی ما آدمیان نیز به ذات خود آگاهیم ؛ پس خدا ، که خالق ما است ، به طریق اولی به ذات خود علم و آگاهی دارد.

۲ - علم خدا به موجودات پیش از آفرینش آنها : این حقیقت روشن و بدیهی است که آدمی پیش از ساختن چیزی به آن علم و آگاهی دارد. حال وقتی انسان چنین است ، به طریق اولی خدا نیز به مخلوقات ، پیش از آفرینش آنها علم دارد و برای این حقیقت ، دلایلی ذکر کرده اند :

الف) علم به علت ، از آن نظر که علت است ، مستلزم علم به معلول است.

ب) نظم و تدبیر موجودات عالم گواهی می دهد که خدا از پیش ، به تمام اسرار و قوانین و پیچیدگی های آن علم داشته است.

۳ - علم به موجودات و مخلوقات پس از آفرینش آنها : همه موجودات معلول خدایند و وجود عینی هر معلولی نزد علتش حضور دارد. هر موجودی غیر از خداوند ممکن الوجود است و هر ممکنی به واجب الوجود و خداوند متکی است.

قرآن کریم و علم الهی

و خدا به هر چیزی داناست. (بقره-۲۸۲)

و کلیدهای غیب ، تنها نزد او است. جز او {کسی} آن را نمی داند و آنچه در خشکی و دریا است می داند ، و هیچ برگی فرو نمی افتد مگر {اینکه} آن را می داند ، و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن {ثبت} است. (انعام-۵۹)

نمونه امیرالمؤمنین علی (ع) درباره گسره علم الهی می فرماید :

چیزی از خدا مخفی و پنهان نیست. نه شمار قطرات فراوان آبها و نه ستارگان انبوه آسمان و نه ذرات خاک همراه گردبادها در هوا ، و نه حرکات مورچگان بر سنگ های سخت ، و نه استراحتگاه مورچگان ریز در شب های تار ، خدا از مکان ریزش برگ درختان و حرکات مخفیانه چشم ها آگاه است. (نهج البلاغه-خطبه ۱۷۸)

۲ - قدرت الهی : از صفات ذاتی و ثبوتی خدا «قدرت» یکی از نام های او «قادر» است.

برخی متکلمان قدرت را چنین تعریف کرده اند : فاعلی که کار خود را با اراده و اختیار انجام می دهد ، می گویند او در کار خود «قدرت» دارد.

دلایل قدرت الهی

الف) اعطا کننده کمال ، فاقد کمال نیست.

خداوند خود باید متصف به صفت قدرت باشد تا بتواند قدرت را در مخلوقات ایجاد کند. امام علی (ع) نیز به این دلیل اشاره کرده که فرموده است :

و {خدا} نیروی هر ناتوانی است. (نهج البلاغه-خطبه ۱۰۹)

ب) اتقان و نظم شگفت انگیز مخلوقات می تواند هم دلیل علم باشد و هم دلیل قدرت الهی.

عمومیت قدرت خدا

گستره قدرت الهی ، عام و مطلق و نامحدود است.

خدا بر هر چیزی توانا است. (بقره-۲۰)

۳ - حیات الهی

به طور خلاصه می توان نشانه های حیات در گونه های موجودات طبیعی را «فعالیت» و «عالم بودن» دانست. حال اگر این در م بهوم را از نقص و محدودیت پاک سازیم ، آنچه بر جای می ماند ، معنای حقیقی و لب و جان آنها است.

۴ - خدا بینا و شنواست

چون خدا موجودی غیر مادی است و خالق همه وجودات است و همه موجودات از جمله امور دیدنی و شنیدنی نزد او حاضرند ، می توان او را به بصیر و سمیع بون متصف کرد.

۵ - اراده الهی

فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند تنها به آن می گوید : « وجود باش! » ، آن نیز بی درنگ موجود می شود. (یس-۸۶)

اراده الهی به این معناست که خدا افعال خود را بدون اجبار و اکراه انجام می دهد ؛ زیرا موجودی برتر از او وجود ندارد تا او را به عملی وادارد. این معنای اراده ، همان اختیار است. (همو-عقاید امامیه-ص ۶۰)

امام صادق (ع) در پاسخ به این پرسش که آیا علم و معیشت (یعنی اراده) خدا یکی است یا دو معنای متفاوت دارد ، می فرماید : علم همان مشیت و اراده نیست ؛ زیرا تو میتوانی بگویی من فلان عمل را انجام می دهم اگر خدا بخواهد ؛ ولی نمی گویی من آن را انجام می دهم اگر خدا بماند. (کلینی، اسفار، ج ۱، ص ۱۰۹)

نکته اساسی این است که اراده مخلوقات باید از جنبه نقص و محدودیت مبرا شود آنگاه بر خدا اطلاق گردد.

اراده الهی را می توان به دو صورت در نظر گرفت : اراده تکوینی و اراده تشریعی. اراده تکوینی از رابطه خاص خدا با مخلوقات سرچشمه میگیرد و چون خداوند امری را اراده کند ، بالضروره تحقق می یابد ؛ اما اراده تشریعی از رابطه خاص خدا با برخی افعال اختیاری انسان سرچشمه میگیرد که امکان تخلف اراده از مراد وجود دارد.

۶ - حکمت

حکمت به دو معنا به کار میرود :

معنای نخست حکمت به آن معناست که افعال فاعل در نهایت اتقان و استواری و کمال باشد و هیچ نقص و کاستی به فعل او راه نیابد. ب ی این معنای حکمت دلایلی وجود دارد به شرح زیر :

- مطالعه نظم و اسرار خلقت

- تناسب اثر با مؤثر

- نبودن علتی بر ناستواری

۷ - عدل

معنا و اقسام عدل : مقصود از عدل قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود است. امام علی (ع) در روایتی عدل را چنین معنا می فرماید :

عدالت ، هر چیز را در جای خود می نشاند.(نهج البلاغه-حکمت-۴۳۷)

دلیل اینکه خدا هیچ گاه کار زشت و ظالمانه انجام نمی دهد و تمام افعال او متصف به صفت عدل است ، این است که فاعلی که به عمل زشت و ظالمانه دست می زند ، یا از قبح و زشتی آن آگاه نیست و یا به اعمال ظالمانه نیازمند است تا نیازیهای خود را برطرف سازد و یا صفات ناپسندی نظیر کینه توزی ، حسادت و احساس حقارت موجب چنین اعمالی شده اند. لز آنجا که هیچ یک از این عوامل را نمی توان در ذات مقدس خداوند یافت و او کمال مطلق و عاری از هر نقص و کاستی است ، خدا هیچ گاه عمل ظالمانه و زشت انجام نمی دهد.

اقسام عدل

- ۱ - عدل تکوینی : معنای عدل در نظام تکوین یا جهان خلقت آن است که خدا در چنین نظامی به هر موجودی به اندازه شایستگی و قابلیت او نعمت داده است.
- ۲ - عدل تشریعی : عدل تشریعی بدین معناست که تکالیفی که خدا به وسیله پیامبران بر مردم نازل کرده است ، بر پایه عدل و دادگری است.
- ۳ - عدل جزایی : عدل جزایی به این معناست که خدا در روز قیامت میان افراد به عدل داوری می کند و حق کسی را تباه نمی کند

TestDownload.ir

بخش چهارم مسئله شر

راه حل های مسئله شرور

۱ - شر لازمه جهان مادی است

این دیدگاه برآن است که در عالم ، شر وجود دارد ، اما لازمه جهان مادی است و جهان مادی در مجموع خیر است. از این رو ، خلقت جهان بهتر از عدم آن است.

بنابراین ، وجود جهانی مادی که هیچ گونه تنازع و تزاممی در آن نباشد ، خلاف فرض است ؛ یعنی چنین جهانی در واقع غیر مادی می شود

اما در جواب این سوال که آیا بهتر نبود که خداوند به دلیل شر و اندک این عالم ، از خلقت عالم صرف نظر می کرد ؟ می توان گفت که ترک خیر کثیر عالم مده به دلیل وجود شرور اندک ، با فیض الهی منافات دارد.

ملاک سنجیدن خیرات با شرور ، کیفیت است نه کمیت. اگر یک کیلو طلا را با چند خروار سنگ ریزه مقایسه کنیم ، کدام یک ارزش بیشتری دارد ؟ طلا یا سنگ ریزه ؟

۲ - شر ناشی از آزادی انسان است

برخی آدمیان با اختیار خود ، اعمال شرورانه ای انجام می دهند که لازمه این اعمال ، رنج و عذاب دیگران است.

خداوند به دو گونه می توانسته است انسان را خلق کند :

- بدون اختیار و یا به تعبیری مجبور ، تا هیچ گناهی از او سر نزنند ؛
- مختار و آزاد تا مراحل کمال و سعادت را با اختیار طی کند و لازمه این گونه آفرینش است که برخی آدمیان ، به اعمال شرورانه روی روی آورند.

صورت اول مستلزم این است که انسان و اعمال او ارزشی نداشته باشد ؛ اما در صورت دوم خیرهای فراوانی از گذر اختیار عاید انسان می شود و انسان با اختیار ، بسیار بهتر از انسان بی اختیار است .

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند ، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین بر ایشان می گشودیم ؛ ولی تکذیب کردند ؛ ولیکن {پیام ها و نشانه های ما را} دروغ شمردند ، پس آنها را به سزای آنچه می کردند گرفتار ساختیم.(اعراف-۹۶)

اما درباره ی رنج و دردی که از اعمال یک فرد به فرد دیگری می رسد می توان گفت :

- بسیاری از این رنج ها و دردها ، شر نیستند ؛ بلکه باعث تکامل و رشد اخلاقی برخی از افراد ستم دیده می شوند.

- بسیاری از درد و رنج هایی که از ستمگران به مردم می رسند ، نتیجه عملکرد خود مردمند. اگر آنان با هم متحد شوند و علیه ظالم بشورند ، دیگر ظلم و درد و رنجی نخواهد بود. خداوند در این باره می فرماید :

در حقیقت ، خدا حال قومی را تغییر نمی دهد مگر آنان خود حال خویش را تغییر دهند.(رعد-۱۱)

۳ - شر ناشی از جزئی نگری است

برخی متفکران معتقدند اینکه انسان ها بسیاری از امور را شر می دانند ، ریشه در قضاوت های سطحی و جزئی و تنگ نظرانه و شتاب زده دارد.

قرآن مجید دلیل ناخوش دانستن برخی امور ناشی از عدم شناخت جامع و کامل می داند و می فرماید :

و بسا چیزی را خوش نمی دارید و آن برای شما خوب است ، و بسا چیزی را دوست می دارید و آن برای شما بد است و خدا می داند و شما نمی دانید.(بقره-۲۱۶)

۴ - شر ناشی از جهل انسان

یک دانشمند بزرگ ریاضی را در نظر بگیرید که کتابی درباره ی ریاضیات نگاشته است. می دانیم که او این کتاب را کاملاً عالمانه و بدون اشتباه و خطا نگاشته است ؛ یعنی همه ی کلمات ، حروف و اعداد را از روی

علم و آگاهی برگزیده است. باز می دانیم که کسی آگاه تر و عالم تر از او در علم ریاضی نیست. حال اگر کتاب را مطالعه کنیم و برخی قسمت ها را مبهم یا ناسازگار با قسمت های دیگر ببینیم ، برای حل این مشکل چه راهی وجود دارد؟

به نظر می رسد که برای حل مشکل دو فرضیه وجود دارد :

اول ابهام و ناسازگاری ناشی از نویسنده آن است ؛

دوم ابهام و ناسازگاری ناشی از ضعف علمی و عدم تسلط کافی ما بر موضوع کتاب است.

ما می دانیم نویسنده کتاب عالم و آگاه است و یقین داریم که مطالب را اشتباه ننوشته است و به ذلیل احاطه علمی او ، احتمال خطا هم وجود ندارد. براساس این مقدمات فرضیه دوم به واقع نزدیک تر می نماید ؛ یعنی ابهام و ناسازگاری را ناشی از ناتوانی علمی خود خواهیم دانست.

راز و فواید شرور جهان

۱ - شرور ، لازمه ذاتی عالم ماده

تزام و تضاد از ویژگی های ذاتی عالم ماده است. اگر این ویژگی ها نبود ، چیزی به نام عالم مادی وجود نداشت.

۲ - شرور ؛ علت شکوفا شدن استعدادها

ساختار آدمی به گونه ای است که بسیاری از توانایی ها و استعدادهای او در سایه مواجهه با سختی ها و مشکلات ، شکوفا می شود.

۳ - شر ؛ عاملی برای بیداری از غفلت

از فواید شرور و سختی ها آن است که آدمی را از خواب غفلت بیدار می کنند. راننده ای را در نظر بگیرید که بر اثر غفلت ، به قوانین راهنمایی و رانندگی بی اعتنا است. اگر او همچنان غافل بماند ، موجب نابودی خود و دیگران می شود.

۴ - شرور ؛ هدیه ای به بندگان خاص

بنا بر برخی روایات هنگامی که خدا به بنده ای لطف ویژه ای دارد ، او را گرفتار سختی می کند.

امام صادق (ع) در این باره می فرماید :

چون خداوند بنده ای را دوست بدارد ، او را در دریای سختی ها غوطه ور می سازد.

باز امام صادق (ع) می فرماید :

پیامبران بیش تر از دیگر مردم به بلا دچار می شوند و سپس کسانی که بدیشان شبیه ترداد ؛ هرچه بیش تر ، بلا هم بیش تر.

۵ - شرور ؛ آزمون الهی

گاه خداوند ، بندگان را با مصیبت و سختی می آزماید تا مؤمنان راستین باز شناخته گردند.

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ((ایمان آوردیم)) به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم {و این ها را نیز امتحان می کنیم}. باید علم خدا درباره ی کسانی که راست می گویند و کسانی که دروغ می گویند ، تحقق یابد (عنکبوت-۳۰۲)

بخش پنجم توحید و شرک

مراتب توحید

۱ - توحید در ذات (ذاتی)

تثلیت : از دیدگاه اسلامی ، تثلیت (خدای پدر ، خدای پسر ، و روح القدس) باطل است ، زیرا که از دو حال خارج نیست :

الف) یا هر یک از این سه خدا دارای وجود و شخصیت مجزا و جداگانه ای هستند ، یعنی هر یک از آنها خدایی مستقل می باشند. در این صورت با یکتایی مخالف است.

ب) با این که سه خدا دارای یک شخصیت بوده ، و هر یک جزئی از آن را تشکیل می دهند ، در این صورت نیز مستلزم ترکیب بوده و با بساطت خدا مخالف است.

۲ - توحید صفاتی

۳ - توحید در خالقیت

۴ - توحید در ربوبیت

۵ - توحید در تشریع و تقنین

۶ - توحید در اطاعت

۷ - توحید در حاکمیت

۸ - توحید در عبادت

بزرگداشت انبیا و اولیای الهی

بگو من برای ادای رسالت خدا از شما پاداشی نمی طلبم جز محبت به بستگان و نزدیکانم. (شوری-۲۳)

پیامبر گرامی اسلام فرمود :

کسی مؤمن نیست مگر مرا بیش از خود دوست بدارد و فرزندان مرا بیش از فرزندان او ، و خاندان مرا بیش از خاندان خود. (محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۳)

قرآن تبرک جستن به آثار اولیای الهی را تأیید می کند.

{یوسف گفت} این پیراهن مرا ببرید ، و بر صورت پدرم بیندازید ، بینا می شود. (یوسف-۹۳)

هنگامی که بشارت دهنده فرارسید آن {پیراهن} را بر صورت او افکند ، ناگهان بینا شد. (یوسف-۹۶)

اسرار نماز

۱ - تجلی یاد خدا

۲ - تجلی وحدت

۳ - عامل رفع فاصله طبقاتی

۴ - مایه ی پرهیزگاری

۵ - اطاعت پذیری

۶ - مایه ی پاکیزگی

۷ - تجلی اخلاص

۸ - مایه ی شادابی و نشاط

۹ - مایه ی انضباط و وقت شناسی

دلیل عبادت انسان

عبادت و نیایش و هرگونه کاری که برای رضای خدا انجام گیرد ، دارای آثار گرانبهای فردی و اجتماعی است و در شمار ارزش های تربیتی و اخلاقی والاست زیرا :

اولاً پرستش خدا حس تقدیر و شکرگزاری را در انسان زنده می کند.

ثانیاً عبادت و پرستش خدا مایه ی تکامل روحی انسان است.

TestDownload.ir